

Habibul Matin Office
MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

نامه مقدسه

هند و برمه

۱۲ روپيه -- ۷ روپيه

ایران و افغانستان

۲۰ قران -- ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی -- ۳ مجیدی

اروپا و چین

الملك

کلیه امور اداره با
مدیر کل مؤید الاسلام است
هر دو شنبه طبع
و سه شنبه توزیع میشود
بوم دو شنبه

سواد تلگراف وزارت خارجه ایران

بجميع ولايات

خدمت جنابان مستطابان آقایان علماء اعلام و معارف و اعیان و تجار ممالک محروسه دامت تائیداتهم، در این موقع که بموجب این تلگراف مراتب ارادت قلبی خود را اظهار داشته و از سلامت مزاج شریف استفسار میکنند توجه آنجنابان عالی را تکمیل مراسم و اشتقاق بندگان اعلی حضرت اقدس هابوی ارواحنا فداء جالب میباشد. محض بقای استقرار مشروطیت ندگان اقدس ملوکانه کابینه خود را تغییر داده و آقایان معصومه شاهزاده فرماضرا وزیر داخله، جناب معین الدوله وزیر عدلیه، جناب حاجی امیر نظام وزیر مالیه (در خیابان ناصر الملک)، جناب مستوفی الملک وزیر جنگ، جناب مؤمن الملک وزیر علوم، جناب مهندس الملک وزیر معادن و شوارع، جناب مخبر الدوله وزیر پست و تلگراف، این بنده وزیر امور خارجه و رئیس مجلس وزراء صکه طرف اطمینان ملت و مشروطه طلب هستند بسمت وزارت مسؤل انتخاب فرمودند، بطوریکه خاطر محترم جناب عالی قرین استحضار است. تغییر کابینه، تغییر مسلك و بتلیک دولتی است انشاء الله این وزراء با کمال جد و با تمام قوا مشغول خدمت به استقرار مشروطیت، و عنو همی شرف صدور یافت این است ملاحظه میفرمایند (سعد الدوله)

سواد فرمان تلگرافی اعلی حضرت هابوی

(که تمام ولایات و ایالات مملکت ایران فرموده اند) از روزیکه بافضای اراده خداوند متعال ولایت عهد دولت ابدایت برانف مخصوص وجود مسعود هابون ما گردید پیوسته مشهود حضور طاعت ظهور شاهانه بوده که رفع مفسد و معایب و دفع پریشانی و دمام موحده این مملکت نشر همز سالی را که ازله حاکم مسکون و من عزیز است حزب بیروی امتزاج قواء ملیه با قوای درانی و سلطنتی جاها، و شرار معاهدت

و چاره حوش عموم اهل ایران خلاصه يك در برستاری و خدمت باین مادر مهربان تدبیری نیست. هماره شب و روز در این مشروع مقدس پای کوبان بوده اید. اندیشما در سر و خیالات در نظر داشتیم تا آنکه خود ملت غیرتمند ایران و فرزندان عزیز ما با نیات معنوی ما مساعدت نموده و از پیشگاه مبارک شاهنشاه مرحوم البسه الله حال النور استعاضای سلطنت مشروطه نموده وسیله روزمقاسد مکاونه ما بیدر ناحدارمان گردیدند. تلگراف و هرایس کتیبیه ما به پیشگاه آن شاهنشاه مرحوم در تلگرافخانه و غیره حاضر و همان همدردی ما را بعات خود مان بخونی آشکار میباشد. و بعد از اعطاء مشروطیت که بطهران آمدیم در امضای قانون اساسی چه زحمات مانحمل شدیم تا آن را با امضای مقدس آن شاهنشاه دل آگاه رسانیدیم و همینکه نوبت ناحداری و سلطنت مخصوص شخص خود مان شد دقیقه از دقائق پیشرفت امور مشروطیت را فروگذار نموده و تمام قوای خود را صرف عظمت مجلس شورای ملی داشتیم، ولی دراز دستی مفرصین و فساد معسین در این اواخر بطوریکه همه کار آگاهان میدانند نکلی خاطر طارا مکدر ساحله و تا حدی، آبوس داشت که آن اوضاع ناگوار مجلس را ناجی گرفتار بهایی گوناگون ایران بدیده و عجب این آب و خاک بداندیم جنیدی موافق قانون عموم دور مجلس را توقیف داشته و در نورد هم شهر شوال که خواستیم افتتاح فرمائیم، باره موع موجود شد که همه عقلاء تصویب مینمودند که اگر در آن موقع شروع انعقاد پارلمان میشد حز سفک دماء و اتلاف نفوس نتیجه می بخشید، این بود که جنیدی بتدابیر عملی آن مواع را مرتفع داشتیم. امروز که موقع را مقتضی وطاع را معهود دیده با نهایت اشتیاق و میل قلبی عوج صدور این دستخط مبارک موافق همان قانون اساسی بدون ذره کسر و نقصان امر بانعقاد پارلمان داده و مقرر فرمودیم که يك عده از اشخاص عالم

مشروطه خواه که طرف اطمینان دولت و ملت باشد
مجلس شورای ملی ملکیتی ملحق گردیده و نظامنامه
انتخابات را ماسلاً حاضر نموده و منتشر دادند و بعضی
اینکه نظامنامه انتخابات افشار یافت شروع انتخابات شده
و همینکه دو نکت منتخبین حاضر شدند مجلس شورای
ملی در بهارستان افتتاح خواهد شد
تاریخ ۲۵ شهر ربیع الثانی تخفوی میل ۱۳۲۷
مطابق ۱۹ برج نور در قصر سلطنت باغشاه سال سوم
سلطنت ما تحریر شد (محمد علی شاه قاجار)

سواد دستخط هایونی

در این موقع که اراده عایبه هایون ما با افتتاح پارلمان
علاقه فرموده، بسموم حکام ولایات و محاکم محرومه
ایران امر و مقرر میفرمائیم که در هر جای ایران و
خارجه متهمین پلنیک باشند بلا استثنا مغرور آرادند،
و احدی حق تعرض آنها نخواهد داشت و نیز امر
و مقرر می فرمائیم تمام اشخاص و متهمین که تسبیح
شده اند در مصالحت و عنایت هر قطعه مجار و
آزادند، و نیز مقرر می فرمائیم شرح این دستخط
را بداخله و خارجه اعلام دارید
(فی ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۲۷)

جبل المنین

خلاصه این فرمان همان تلگراف و در خارجه
است که ما در شماره جهل و دو نوشته ملاحظات
طودمار را هم دلیل آن نگاشته ایم، شک نیست که الفاظ
خبرین این فرمان خیلی جالب قلوب و اطمینان بخش
است فقط چیزی که سبب عدم اطمینان خواهد بود چند نکته
است که من چه از دو سال باین طرف هرگاه فرامین
راجعه باین موضوع جمع شود کتبی تواند شد، ولی
بدخترانه دو نسخه آن موافق بوده بلکه تمام ضد
یکدیگر بوده است، ما این همه رحمت اقتضای وقت
امروز ملت باید این فرمان را قبول کند مشروط بر
اینکه بوقوع اجرا گذارده آید و جفا نگران قانون جدید
انتخابات باشد که برخلاف منافع ملیه و ضد قانون اساسی
فصلی در آن گنجاخته شود

نکته را که باید ملت از نظر دقت دور ندارد این
است که آن فرامین اولیه چه شد؟ و صدور حصول این
فرمان ارجه راه است؟ هرگاه با ضمه اند از صاحب روس
و انگلیس بود چنانچه دولتمن در اطلاعات خود با می
فهماند صحیح نیست، اگر گفته شود بواسطه فشار
دولتیر پشاه بود پلنیک است، چه نمایان رموز
میدانند که معاهده دوانین و ملاقات اعلی حضرتین در
(دیوال) و اقدامات سری و علنی نمایندگان روس
و سکوت مؤدانه انگلیس این اختلاف را بین ملت و

دولت و این انقلاب را در ایران اداخت، هرگاه گفته
شود که لیاکوف و شیخ فضل الله و امیر بهادر و
مشیر السلطنه که در این زمینه استبداد بودند مشروطه خواه
شده و دست از سلسله کشیده اند آهم خلط است که
(که پلنیک پشمتن نکرد سپید)

پس سبب ظهور این فرمان چیست؟ سبب همان
قیام بهمان و انتشار انقلابی بدو بار بود حتی درین آخرین
موقع هم دولت پلنیک با عجز مخالفت را با ملت نموده
و با حرکات پلنیکه یکی از شمال و دیگری از جنوب
باندازه اقتدار خود ملت پلنیک ناشناس به موقع فرستاد
ایران را مرعوب داشتند باین هم اکتفا نکرده
در پای تخت که از دو جانب محاصره قشون ملی بیرون
آمده بود صریحاً مانع از ورود شدند این همه اقدامات
ملیه و آن قدر فداکاری و تحمل خسارات یک ساله
را نتیجه صدور این فرمان گردید.

حالا درست باید غور و تأمل نمود که آنچه در
این فرمان است بیشتر و کامل تر از آن را از سه سال
قبل ملت داشته و با آن حقوق ثابت باین طبقات عظیمه
متلا گردید، واضح تر عرض کنیم، دو نکت وزیرای
مشروطه خواه حلیه نیز در تلمه ۲۳ همین ماه سال گذشته
وزیرای مسئول ما بودند، ازین بیانات معلوم گردید
که وجود و درای مشروطه خواه و این فرمان و صد
امثال آن مالا ساه مانع از پیش آمدن این گونه واقعات
ناگوار نتواند بود

پس چیزی که ملت را به بقای این سعادت اطمینان
تواند داد همان است که در سابق آن سعادت از دست
رفته خود را حاصل نموده و آن عبارت است از قوای
قهریه ملیه بقا بدون رو در واسی و ملاحظه عدم
اطمینان خود را با الفاظ محض ملت باید ظاهر دارد و
هیچگونه اطمینان دیپلماتی همسایگان را هم نخواهد
بلکه اگر آنها بدهند (چنانچه در اعلان خود دادمانند)
منظور نکنند چه یا در میان خارجه چنین گونه مواد
دو آیه طاقت و حیم برای استقلال مملکت خواهد داشت،
ملتمیان باید در مآهای نزاکت این فرمان را قبول
و کسر و تنص آن را هم کوچکاه مطالبه کنند ولی در
اجرای منطوقه این فرمان جدا پای بند بمواد ذیل باشند
(۱) قوا سیع قاهره ملیه را به هیچ وجه و بهیچ
اطمینان ولو بواسطت و قول جمیع همسایگان باشد از
دست ندهند، چه حفظ استقلال مملکت و قای سعادت
ملت در سابق همین قوه قائم تواند ماند و این امر ادا
منافی با تسلیم ملت باین فرمان هم نیست

(۲) رؤسای ملی را باید بهمان مقام و عهده که
امروز هستند برقرار گذارد یعنی حضرت سپه دار اعظم
و...

و غیره را باید با اقتدار و قوای موجوده نگاهداشت و اگر غیر ازین شود یعنی امروزه ملت طرف آنها را نگاه ندارد هرگاه دوباره چنین موفقی که (ممکن الوقوع است) پیش آید احدی از رجال غیرت مند وطن خواه و خلیل در مصائب ملیه نخواهند گردید علاوه لکن تاریخی در عدم قدردانی بر ملت ایران وارد خواهد آمد ملتیان نباید فقط بصورت این فرطان انقلابات ایران را خاتمه بدارند، پارلمان دوساله ایران با فرامین هدیه دو پادشاه، و پارلمان هفتمی با آن همه اظهار همراهیهای سلطان عبدالحمید روش ترین دلیل است که آنها هنوز رفع فائزات نشده بلکه بقیه سیاستپون اول انقلابات ایران باید تصور شود

لذا ملتبان راست که سریعاً برای پیش رفت مقاصد ملیه مرکزی از دایان سیاست تشکیل داده مشغول ترتیب پروگرام طامه دو حرکات ملیه باشند، منافع چنین مرکزی و لزوم چنین پروگرام از نتیجه انقلابات ایران و هفتمی بر هر دی حس پوشیده نباشد، هرگاه هفتمیان بعد از اسفاد پارلمان و تسلیم همه گروه اظهار همراهی سلطان مرکز اتحاد و ترقی سلانیک را اهمیت نداده بودند، باین سهولت درین انقلاب اخیر مقضی للمرام نمی شدند، و اگر ایرانیان از آغاز مشروطیت تشکیل چنین مرکزی برای پیش رفت مقاصد ملیه داده بودند و پروگرام صحیح در اقدامات خود داشتند و مطابق با پروگرام حرکت میکردند تا این درجه مبتلای به فلاکت و مصائب می شدند، و نه اینقدر کارها بطول می انجامید که بهاء بدست خارجه اوقاده از سه طرف دخالت در امور داخله ما جایند، و اگر حالاهم به این فرمان و افتتاح پارلمانرا چنانچه داشتیم قانع شویم و موجب همه گونه آسایش و امنیت بلکه سعادت ایران تصور نمایم، بدون شبهه در آیه اسباب پشیمانان خواهد گردید وقتی که پشیمانان را سودی باشد

(۳) ملت راست که مرعوبیت جاهلان اجانب را از خود دور دارد چه هر ملتی که مرعوب گردید فوراً اضمحلال او در میرسد و با کمال ملاحظه و نزاکت در حفظ حقوق و حدود ریاضی خارجه یعنی بداند که بمقتضای پلتیک کنونی ایران هیچ یک از همسایگان را قدرت تصرفات مالکانه در ایران نخواهد داد، و اگر بهانه های غیرجائز تا امروز تصرفی در امور داخله ما کرده اند از شامت مرعوبیت و جهالت ملت بوده است، ملتی که بحسب خود بی برد و اتحاد بین او قائم باشد و مرعوبیت خوبش را تسلیم اجاب نکند ولو کوچک و ضعیف باشد (مانند زرسوال) هیچ دولت قوی نمیتواند از تصرفات با مورد مانی آنها صرفه حاصل نماید (چنانچه انگلیس حاصل نکرده) همسایگان مخصوص

روس امروز خود در شرف اضمحلال و تقسیم و ملوک طواشی است مرعوبیت جاهلان ما او را باین جسارت های ناجائز واداشته و عنقریب مقتضای پلتیکی کنونی ایران مجبور خواهد شد که با ندامت بسیار صرف نظر از تجاوزات هوده از آذربایجان خارج گردد

(۴) ملتبان راست که کمال مدافه را در قانون انتخابات جدید نمایند، چه سعادت ملت و ضعف و قوت هر پارلمان را دار و مدار قانون انتخابات شناخته شده درین نوبت باید کمال دقت را در انتخاب وکلای کاردان کارکن مادیات نمایند، چه تمام بدعتهای کنونی را مانده رحه از وکلای بددیانت زشت اخلاق می نمایم

مکتوب از کبریج

(گر این تیر از ترکش و ستمیست)
(و مرده بر رده باید گریست)

پیش از آنکه مقصود آواز کم من مناسبت می بینم که اشعاری را که تقریباً سه سال پیش بروحه پیشین گوئی خطاب مظفرالدین شاه مرحوم گفته و در روز نامه خلاصت که آن اوقات طبع می شد درج نمودم، امروز در اینجا دوباره ذکر کم تا مؤید این پیشین گوئی که در آخر این مقاله خطاب هموطنان عزیز خود میکنم شده و گمان نکنند که نصه میخوانم و ژاژ میبندم ای ماد اگر بخاک در شاه بگذریس

از من بیوس خاک و نا عرض جاگری
کای منکی همتد دارا و سکتیباد
وی وارث یگانه تخت سکندریس
ای حکمران ملک جم ای مالک صبح
وی سباه خدا که خداوند اعصری
ای پشیمانان دین مبین همدیس
وی یاسیان حوره شرع میریس
براه ملک و فقر هموسی و مردوزن
مظلوم ظلم جیی از اصاف و دین ری
حکام همجوگرگ و رطایا جو گوسفند
رای بخواب و بجز از کله بروری
سدود باب عدل و مساوات در عجب
مردم که از که داد خواهند و باوری
دریاد جانفراشی ستمبدگالت نکوش
گوید یا یا باشده بین دور محتریس
ما را جز آستان تو نبود پناه گاه
ما را جز تو نیست امیدی بدیکریس
جنتی گشا و حال پریشانی ما سین
لطفی نما و دادرسی کن که داوریس
چیزی نمانده خرق شود کشتی وطن
نی بادبان بجای باند نه فکریس

طوقان مدعش ز شمال و جنوب ما
 دارد سر هجوم احقر دور بنگری
 کشتی طراپ و دشت طوقان و بحر ژرف
 ای ناخدای وقت بود وقت رهبری
 وی پادشاه وقت غلبت شهر وقت
 کاین وقت را زین نبود وقت دیگری
 زیرا که دشمنان شمال و جنوب ما
 مستند در خیال تقاضی و برادر بی
 این اتفاق هر براسکندی ما است
 ای شاه اگر بدیده نخبی بنگری
 چون عهد اتفاق کنند او دو سو کشند
 از هر ضبط خانه ما و تو لشکری
 با یک هجوم ضبط مانند ملک ما
 زیرا که در حدود مداریم سنگری
 بیگانه خانه ضبط ناید چو شاه را
 پند که بست صاحب و دربان و دری
 بعد از هجوم و ضبط ناید برای ما
 چیزی مکرو دست و سر و دیده تری
 تاریخ ما شود ز جهان مقرر چنان
 گوئی که هیچ ثبت نیده بدفتری
 فرق زبان ما و تو شاعر و زیاد
 ما گم کلیم جاگری اما تو سرور می
 خواهی بقای سلطنت و ملک خویش اگر
 واجب بود ترا که کنی عدل گستر می
 اجرایی عدل نیز مبسر نخواهدت
 گشتن مگر بدادن قانون کشوری
 قانون بخش ما تواند ستم کند
 بر هر فقیر و عاجز و مسکین ستمگری
 قانون بخش تا که کند مات معجم
 با مات عظیمه ژاپون سراسر می
 ابواب عدل و داد و مساوات باز کن
 تا کار ملک رو می گذارد به پتری
 و ره بقایه حالت حاضر ملک ما
 دعوت کند دخول بلارا ز هر دری
 گفتم من آنچه فرض وطن پروریم و د
 ردو قبول بسته عیلت بخیر می
 این بود اشماری که گفته بودم و این است احوال
 مملکت و واقعات حاضر امروز که می بینید ، حال را
 گردم بمقصود خویش
 هموطنان عزیز من ؛ نظر اخباری که امروز
 در جراید این مملکت دیدم همچو معلوم میشود که
 شاه دوباره مشروطه میدهد ، مجلس باز میکند ، و قانون
 جدیدی برای انتخاب و کلا وضع مینماید ، و شما هموطنان

هم صکه بواسطه بی خبری از اوضاع عالم و سیاست
 همسایگان عزیز یعنی روس و انگلیس و بدون اینکه فکر
 کنید که آن قانون و مجلسی که داشتیم چرا رخت و این
 قانون و مجلس چرا میباشد ، جشن میگیرید و چراغان
 میکنید بی اینکه تصور و تأمل در سوابق احوال نماند
 اما اگر ادبی تأمل کنید خواهید دید که این
 جشن و شادمانی شما بیرونج و دلیلی واضح برکمال
 جهالت ما از نقشه سیاسی همسایگان عزیز است و ابد
 ملتقت نمی شوید ، اقتراض استقلال ملی خود را ، روسیان
 درباری مشروطه خواه میکنند بلکه دشمن عدالت و
 حقانیت اند ، روسیان درباری آزادی و آبادی ما را
 نمی خواهند مستبد باقادات و مخالف باقطره اند مگر
 آنها را نمی شناسید ، اگر چه از این همه تجربه و امتحانها
 که گردید حالا هم باز گول بخورید پس وای بر جهالت
 شما ، روسیان درباری با اختیار خود هیچ وقت پیرامون
 عدالت و حریت که ما مشروطه مینامیم همگردند ، این
 مشروطه اسی و مجلس رسمی آلت اجرایی مقاصد
 همسایگان عزیز ما خواهد بود ، ورنه خیال استبداد
 پرورانه همسایگان بیشتر از اینها وسیع است که بشروطه
 اسی ایران هم راضی شوند ، میخواهند هم آنها و
 هم رسماً این خاک غیر مستقل و مستبد باند
 این مشروطه اسی را از دربار بزور میگیرند و
 این مجلس را محجر باز میکنند آنها که این مشروطه
 اسی و مجلس رسمی را میگیرند بگفتند ؛ انگلیس و
 روس ، چرا ، مقصود شان چیست ؛ آیا دلشان بحال
 ما می سوزد ؛ آیا میخواهند که ما مظلوم ظالمهای
 حجاجه مستبدین بی شرف نباشیم ؛ آیا میخواهند که
 مملکت ما آباد شود ؛ آیا میخواهند که تجارت ما ترقی
 کند ؛ آیا میخواهند که معارف در میان ما تعمیم نموده
 مردمان طاق و وزیرای کامل داشته باشیم ؛ آیا
 میخواهند که مالیات مملکت ما یک بر چهار ترقی نموده
 و روحی بحسب مرده مملکت دمیده شود ؛ آیا ، میخواهند
 که ما یک مایونف سرباز منظم و سردارهای منظم
 داشته باشیم ؛ آیا میخواهند که در اعات مملکت وسیع
 ما ده برابر حالیه شود ، بخارجیه حمل و در عوض
 پول مملکت داخل کنیم ؛ آیا میخواهند که خط راه
 آهن همه نقاط مملکت کشیده دارای هرگونه سعادت
 باشیم ؛ آیا میخواهند خلیج فارس را که در حکم سر است
 دریدن وطن عزیز ما با کشتیهای جنگی و استحکامات
 محکم سازیم ؛ آیا میخواهند که ما جراید آزاد داشته
 زیاده روی آنها را هر روزه تشر و ملت را بجلوگیری
 دعوت کنیم ؛ بصانع عالم و آدم قسم نه ، هیچیک از آنها
 را که برشمردم برای ما میخواهند ، پس چه میخواهند ؟

اینها اضمحلال و انقراض ما را میخواهند و در آن نقش دارند کار میکنند ، اگر تنها خیال کنید که دول فرنگ عدالت برستند ، داد خواه مظلومند ، حاسی تمدن و اساینته لبط میکنند ، بی ایها عدالت برحق و داد خواهی از مظلومین و حمایت از تمدن ، اساینته دارند اما در قلمرو حکومت خودشان و برای خودشان ، ولی از رایجی ما هزار مرتبه از مستبدین خودشان هم بدترند ، هرگاه این عرض مرا افشاء یا مبالغه میشارد رجوعی تساریخ نموده و معاملات ایندو دولت را از صدو اندسال باطرف در میزان فور و نامل تساجید و به بنید که این دو دولت از ظهور سلسله قاجاره باطرف جدا کرده اند و کار ما را رکبا هجا رسانده اند ، و از بس فطرتی و خبایات و هو برحق مستبدین بالاستفاده چه ملک ها از ما مخنگ و نیرنگ ضط و چه حقوق های عظیم را که از ما سلب نکرده اند ،

وقتی که آریخ این دوره را ملاحظه گردید خواهید دید که این دو دولت منصودی غیر از انقراض استقلال ملی ما ندارند ، بعد از آیکه قین مردم که اینها دشمن حقیقی استقلال طیبی ما بوده ، مستعد و خواهند بود ، پس حیه چیست که مشروطه یعنی مفتوح هر گوه نیکیختی و سعادت را رای ما آرزو میکنند و دربار را حکم مینمایند که حکما باید مشروطه دهد و مجلس باز کند ، البته جهتی دارد ، روحه اختصار جهش اینست ،

بعد از اینکه ملت ایران از مظفرالدین شاه مشروطیت را گرفتند آثار ترقیات فوق العاده سرعت برقی از ایشان ظاهر شد ، و اگر مظفرالدین شاه چند سالی میزیست یا مستبدین کنونی تاسی تاخرجوم کرده کر ضدیت مجلس را در میان نمی بستند و مجلس را میگذاشتند که کار بکنند حالا ایران نزدیک به نصف مراحل ترقی را طی کرده بود ، و کم کم بارهای ذلت و مسکنی را که همسایگان عزیز عمور سلوات بر دوشان گذاشته اند یک یک از دوش خود دور میکردیم و رفته رفته بحد رشد رسیده و بی شک اقتدار طیبی خود را جلب میکردیم ، معلومست که اینهم بکار همسایگان عزیز ما می خورد و مخالف آمال و مقاصد آنها بود که برای ما از درواز دارند و مبارزته ایست که برای ما کشیده اند آثار ترقیات را میدهند ، ولی نمی توانستند جلوگیری کنند ، چون شکل حکومت از حیث واحد مولی و

جامعه مانق تبدیل شده بود و ما هیئت جامعه بی مانق ولو بسیار ضعیف هم باشد مخالفت آمان نیست ، دور ، شب مشغول نقشه کشی ری برچیدن بساط عدالت و حریت از ایران بود که در این بین درجهت مظفرالدین شاه را سلطنت محامت رسید و همسایگان عزیز را کار نکام شد ، فوراً ما مستبدین که دشمن ملت و حریت و ما کمال بی شرفی و بی ادبسی حاضر اند که همه چیز خود را برای اسبهار هد کنند محمدهت شده و محبه حصول مقاصد و آمال خود شان آنها را معاً و ماده حمایت و معاضات کرده ، بساط مشروطیت را برچینند ، و مجلس را خراب کردند ، اگر خان کلید که مشروطیت و مستبدین اقتدار شخصی خود خراب کرده محطافه اند ، مستبدین آن عدوت و بدشمند و حالاهم دارند ، بساط مشروطیت را انگاس و روس برچینند و فتنه کشی در م مستبدین ایران برآمدند مستبدین هم در وط ادای و حیوات خود را نامیدیک نامید ، بواسطه ریست عهد خواهشین ر آلت احراقی مقاصد آنها نموده هم خود را بدام ابدی کرده وهم ستندادی ر که تمام این راهوسی م را برای او لردد خواستند نگاه دارند

ماز اگر قین ری شما حاصل اند که مشروطه را همسایگان عزیز هم ردد و این مشروطیت را هم آنها برای انتفاع خود شان میگیرند شهادت دیگری عرض دم ، آرد در استبداد برحق دوشان درباری بعد از آب همه اظهار مخالفت ما شکی هست ؟ آیا در مشروع بودن قانون و مشروطه بعد از این همه فتاوی و احکام حجج اسلام حاسی حقی هست ؟ مستبدین بخیمال ایکه این مشروطه را که ده افق احکام خدا و رسول و شرعست باز خواهند داد ، بطرف ایکه خلاف شرع است بهم ردد حالا چه شد که دوباره پس میدهند ؟ مستبدین مشروطه خواه شده یا مشروطه بتاری مشروعه گشته؟ هیچکدام نشده مستبدین باز مستبداند و مشروطه بار شرمی ، چیزی که شده اینست که همسایگان گفتند باید بدهید میدهند چرا همسایگان مشروطه را که خودهم زده بودند دو باره میگویند بدهید ؟ بجهت ایکه وقتی آنها بساط مشروطیت را برچینند کان میگردند که ملت فوراً دست از مشروطه کشیده جادت قدیمی خود عدوت خواهد نمود و ایشان هم از این غفلت ملت و سلطنت مستبدانه فرصت مأمولی را بدست آورده نقشه خیالات خود را

چه خواهد شد ؟ ایران یک مصر ثانی و استقلال را برای همیشه وداع خواهد گفت .

موظفان عزیز من ، این قسه ایست محقق که همسایگان کشیده اند و این کار را هم خواهند کرد و استقلال ملتی را باطل حرم و آز خود خواهند نمود ، و ما برای خلاصی از این بلبه چون قوت نداریم هیچ چاره نداریم ، مگر یک چاره ، آنهم این است ، که ملت بداند کرا وکیل اغتاب میکند ، و وکیل هم بداند که وظیفه وطن پرستی و دیانت و حیت او چیست ، و مثل حاجی فلان و حاجی فلان و حاجی فلان که در مجلس سابق بودند روزها در مجلس و شها بعد از نصف شب رفیق ما ده و سادۀ مستبدین نشوند ، با این قوت همسایگان عزیز و ضغ ملی حز اتحاد و وطن پرستی چاره برای خلاصی نداریم ، من وظیفه خود را ادا کردم ، خود دانید و ناموس و غیرت و دیانت خودتان - والسلام
 علی من اتبع الهدی (شیخ حسن تبریزی کبریج)
 - ۳۱ می ۱۹۰۹

مکتوب از بمبئی

واقعات جان گذار لار

(انا لله وانا اليه راجعون)

(اگر بخوام قضیه ناملجار لار را شرح دهم گذشته از اینکه هر مسلمان و صاحب حسنی طاعت شنیدن ندارد ، شان و پیام از عهدۀ نهر برقرار عاجز است و علاوه حجات میکتیم بنویسم .

اگرچه بخیال بعضی از اول مشروطه تا کنون بسیار از بن قضیه ها واقع شده است ، ولی الموسی که آنچه در هر بلادی و شهری ملت مظلوم ایران از دست مستبدین کشیده اند یقین بدانند تا این درجه سخت و شلغ نبوده است ، حتی اعمال خود پسرهای قوام در شیراز ،

اجالاً بعد از اینکه حکم حجج الاسلام لاری جاری شد و تمام ادارات منظم گردید و راه ها با نظام آمد ، حاجی علی قلیخان حاکم سابق لار (که اگر بخوام از ظلم های که سابقاً به اهالی گرمسیرات می نمود یک یک را بشمارم هزارها ورق کاغذ لازم است) فرار نمود بعد از اینکه از لار از ترس اجراء احکام حجج اسلام بیرون رفت وارد حاجی آباد شد ، پسرهای قوام که استبداد و خلیفۀ باطنی آنها در نزد هیچ ذبحی لازم به معرفی نیست او را احضار نموده و پسرهای خود بعد از نزاع اجالی که کرده و شکست خورده بودند بهیروز برده و در اسکان مشروطیت شیراز نزد بعضی

موقع احرا خواهند گذاشت .

ولی بخلاف مأمول بدید از طرفی ملت دست از حق مشروع خدا دادی خویش نکشیده و برای تحصیل حق خود از بذل جان و مال مضایقت نکرد ، و از طرفی هم بایشان و هم بدول سابقه پروتسنهای سخت برای قرض دادن پشاه و گرفتن امتیازات که مقصود اصلی ایشان است شده دیدند که نمیتواند شطرنج سیاست خود را بروجه دخواه بازی کرده و شاه را مات کنند ، محبوراً دوباره دادن مشروطه و افتتاح مجلس مستبدین را مجبور نمودند ، ولی باز قسه همان قسه و خیال همان خیالست ، مقتضا شکلش را عرص کرده و میخواهند با پاتیک فایحه استقلال ملتی ما را بخوانند ، حالا چه خواهند کرد ؟

(پیشین گوی ما از اینجا شروع میشود)

همینکه اعلان مشروطیت شد این دو همسایه عزیز همت خود را بر این خواهند گذاشت و کوشش ها خواهند کرد که وکلای مجلس از کسانی منتخب شوند که باطناً طرفدار استبداد و از دین و حیت و وطن پرستی بی باشند ، مثل فلان و فلان و فلان که بودند ، همینکه این وکلا منتخب شدند چه خواهند کرد ؟ شما نخواهش مستبدین اول مسئله را که در مجلس مطرح مذاکره خواهند کرد بی پولی است که خواهند گفت برای تأمین آسایش و حفظ ملکیت پول لازمست و باید قرض کرد ، همینکه فریاد و ابولای وکلا و ویرا که در خیال گرفتن پول مانند فروش اولیه و بن خود تقسیم کردندست بگوش همسایگان عزیز ما که سر تا پا گوش و منتظر شنیدن این فریاد رسید ، فوراً از کیسه قوت و حیا مردی خود شد برگرفته ، برای همراهی ملت ایران حاضر خواهند شد و مایه های خود را تقدیم خواهند کرد .

اما چه شرط ؟ این شرط که خواهند گفت دولت ایران وزرای طالب و امین و مردمان کار دار که ما نتوانیم با آنها منیت کرده پول بدیم بداد ، و اگر پول بدیم در ماه تلف خواهد شد ، چنانچه سابق شد ، پس لازمست که در هر ویرانی یک نفر از طرف خودمان بعنوان (ناسخ) تعیین کنیم ، هم بدایم که پولی را که داده ایم بکجا مصرف میشود و هم نا همین غیر ادبش ادارات و وزارتخانه های دولت را اصلاح نمایند ، چنانچه از حالا روزنامه طمس که زبان وزارت خارجه انگلستانست کم کم زحمت این قسه را گرفته و با کمال بی انصافی میسراید ، وقتیکه این کار را کردند

ها خدمت پیشه کرده و در باطن همراهی حاجی علی قلیخان تهیه لشکری کرده بمعاون سرکشی و املاک و نظم (تیل هرب) از شیراز حرکت کرده و در (خرامه) تشکیل اردوی مفصلی نمودند

از این طرف جناب آقا شیخ زکریا بواسطه جلوگیری از افتخاشانی که (تیل هارلو) و هرب و پسرهای قوام می نمودند به سمت داراب با هرجه استعداد که در لار میسا بود حرکت کرده و اهالی لار از یکطرف صلاح شیراز را شایده و از طرف دیگر دستخط تلگرافی مشروطه را دیده با کمال خواطر جوی مشغول اصلاح مفاسد کار هائی حاجی علی قلیخان شده که بقتلاً شباهت نصرالدوله پسر قوام با حاجی علی قلیخان با همت یا به هزار سوار و تکنیکی هرب و هارلو و گرمسیری و هفت همراه توب کروپ لار را محاصره نموده و دیگر تصور حال زن و بچه های اهالی این شهر را به وجدان خوانندگان وا میگذارم ، محصورین بکشت اوائل و اوباش که میدانند رحم به اهل و عیال و مال و جان آنها نمی کنند از طرفی شلیک توب و از طرف دیگر تکنیکی های هرب و هارلو برش به لار برده مشغول توب و قارت و تاراج اموال این بچاوه ها شدند و اقیان بر احدی نه کردند، شلیده شده که مقصد فر زن از فرط حیا خود را مسموم و هلاک نموده و بعضی خود را در چاهها انداخته اند، تا سه روز و سه شب حکم قتل نام دولار جاری بود، حتی بر اطفال شیرخوار اقیان نه نمودند ، مردم بچاوه نه بنامی و نه پناهنده لاند متحصن به امام زاده شدند ، افسوس اشخاصی که اولاد روحانی و جهانی پیغمبر (ص) را کشته و سوزانده بر متحصنین امامزاده هم رحم نکرده ، به حکم نصرالدوله بقعه مطهره امامزاده را به شلیک توب هموار نموده و متحصنین بچاوه را قتل نام کردند بک مسلمان نرسید که زن و بچه بیدست و پا چه تصویری داشتند

گیر این ستم کند نه بود و مجوس نه هندو نه بت پرست نه فریاد ازین جفا

باجه خدمت مقتولین معلوم نیست، فعلاً تمام لاره هوب شده، بعد از توب مال التجاره کاروانسراه ها را بضرپ توب با خاک یکسان ، لار که معروف بود بخزانه فارس (و همین طور هم بود) افسوس که بجز ناله زنان جوان مرده و دبدب اطفال بدو شکسته چیزی دیگر در آن دیده نمی شود، چه عرض کنم که هرجه بنویسم عسری

از اعمار را عرض نکرده ام مختصراً نصرالدوله در باغ نشاط وارد ، آن وقت امر کرده که بک بک از ذراری پیغمبر (ص) را که اسیر گرفته بود بیاورد هر یک شانرا که می آوردند یا سر می برید و یا شکم باره میکرد

آه آه کجا است رسول خدا (ص) که مشاهده نماید سلوک پسر قوام را نسبت به ذراری خود ، گویا پسر قوام عداوت مخصوص به اولادعای پیغمبر (ص) دارد در شیراز سید احمد فرزندی را کشته بدار زده ، جنازه اش را آتش زدند، اولادان فاطمه (ع) را در لار سر بریدند و شکم باره کردند ، معلوم است که حدیث (لا یبغض اولادی الخ) محجاست ، آخر از شما و از تمام مسلمانان و از هر کس که دارای حسن و عالم انسانیت است اصراف میخوانم که تصور حرکات خانواده قوام و حاجی علی قلیخانرا خصوصاً در این دو ساله آخر بنمایند ، ظلم های شیراز آنها را کم نبود که حمله به لار آورده و حبس باطنی خود را نسبت به ذراری پیغمبر (ص) طاهر نمودند و سبطمو القین ظلموا آل محمد ای منقلب ینقلبون

چون این خبر به بهیسی رسید تلکرافات ذلی را ابرائیان بخاره نمودند

◀ سواد تلکراف ابرائیان بهیسی به نجف اشرف ▶
حضرات آیة الله ، قضیه لار از قتل و قارت و مثله کردن ذراری پیغمبر (ص) و فند حجة الاسلام و گرفتاری مشق زلف و بچه رنگناه البته مستحضر هستند ، منتظر اقدامات فوری و استخلاص آنها (عموم ابرائیان)

◀ ایضاً به ایلیخان - قشقائی ▶

جناب سواد الدوله شلیخان قشقائی - وقوفات جان گداز لار با غیرت جناب اجل منافی است وقت ابراز مردانگی است که راهدان و خواهران و اطفال وطن را از شدائد عملی خائنین نجات دهد (عموم ابرائیان)

◀ تلکراف تجار محترم بهیسی ▶

◀ بوزیر خارجه ایران ▶

جناب سعد الدوله اخبارات موحشه لار از قتل و قارت و گرفتاری جوی تجار محترمین و نشقن زنان و اطفال و گناه مدح بیجان عموم ، این اقدامات با اعلان عضو عمومی جلی منافی اگر فوراً سفایکی های لارستان موقوف نشود اسباب یاسی ملت و مورث مخالفت است منتظر اقدامات طاجه ستیم (عموم تجار)

جبل المئین

(ان خان علی الیهود الی سبعین اطن)
لار دومین مرکزی است بعد از تبریز که تحت
درمان حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاجی
سید عبد الحسین مدظله لوای مشروطیات بلد بوده و
الحق خدمتی بسیار ذیقیمت مشروطیت را نرود جوهر
غیرت را بعد از تبریزبان اهالی لارستان برار دادند
و در جنوب اراک اجرای فتاوی حضرت آیات الله
بجف اشرف پیام آورده . فدوس که مآق مات و جهالت
و عدم ممدردی آحاد ، بن غیرتندان را باین بیست
دو چار کرد .

واقعه حاتف سوز لار عالی خارجه و داخله
بران را پیش از پیش به چون آورده و خود آورد ،
گفته می شود که واقعه لا قبل از عفو عمومی بوده
ولی مدیحه نامه بعد از اعلان مشروطیت و عفو عمومی
هم رمع فائله نگردیده ، حقته گذشته جناب آقا شیخ
عبدالله و عطف و شهر همین قسم ز بندر عباس و
ننگه و بیستی واقعات حکرگدار لار و تکراناً با اداره
جبل المئین اطلاع دادند - ما نیز اقدامات لازمه و
تکلیفات ضروری را به ساط مؤثره نموده . حال هم
میگوایم که نصرالدوله و حاجی علی قایمیان و غیره بدانند
که این حرکات برای آنها عوقب بسیار وخیم خواهد
داشت ، براد اینک بدانند مرتکک ختایی و پیرمون
چه کار زرکی شده اند توصیه حضرت آیات الله بجف
اشرف را که در حق حجة الاسلام آقای حاجی سید
عبد الحسین و اهالی نیور لا فرموده اند - بیلا مینگاریم

توصیه و احکام حجج اسلامیه

(عذبات طایبان دامت برکاتهم)

(در طاعت حجة الاسلام حاجی سید عبدالحسین لاری)
خدمت خوانین و راداران ایام صفحاه لارستان
را اهالی ککراتش و دعوات و بیخ قاف و وردی و
را کجبات اعلان میشود ،

ر قرار اخبار موخسته که از آن صحفجات رسیده
است ظالمین و مخالفین شریعت سید المرسلین صلی الله
علیه و آله بمقتضای طبت سربرت کار را بر جناب
حجة الاسلام حاجی آقا سید عبد الحسین مدظله و سایر
مؤمنین آن صفحجات ننگ گرفته و در سده ادیت و
توهین برآمده اند ، لهذا بصوم راداران ایام اظهار
میشود که امروزه ما این وضع ایران و مخالفت سلطان
حیات با مات اسلام در احقاق حقوق مشروطیت

و تقویت و همراهی با جناب حجة الاسلام آقای حاجی
سید عبد الحسین دامت برکاته لازم و اجر مجامدین
فی سبیل الله را دارند و مخالفت با مقتضای حدیث
شریف (الراد عایهم کالراد علی الله و هو فی حد الشریک)
(من الاحقر عبد الله للاندوانی)
(من لاحقر الجانی محمد کانم احقراسی)

• • •

و این نکته را باید نصرالدوله و تابعین او بدانند
که اگر ترک حرکات سبعمانه تقاضند و موش از سر حضرت
حجة الاسلام کم شود ذریات آنها بر باد خواهد رفت ،
تجدیدام و وزوای مسئول چه جوان درین واقعات ایران
وبران کن مجلس مقدس شورای ملی بعد از عفو عمومی
خواهند داد ، عنوانی را که مات عباسی درین موضوع
نوشته ازین قرار است

• • •

بعد از آن همه زحمات که مات لارستان در راه
مشروطه و احقاق حقوق مقصود خود نامر حجج
اسلام کشیدند نتیجه آن شد که نصرالدوله با شش هزار
جسبت از کراشی و اوزی و هرب و هارلو و بستکی
و سرناز مع شش هزاره نوب هفتاداً در چهاردهم شهر
ربیع الثانی چهار قریه از قرات لار را که به (ماروبه
و حبوم و ده کوب و کورده) بانند بنوب خراب
موردید . پانزدهم که بعد از عفو عمومی بود لار را
محصره . تا روز هفدهم تمام بتلیک نوب و تفکک
شهر را خراب و با زمین یکسان نمود ، رجال را
مقتول و زنان را اسیر کرده و اموال آنها را بتاراج
برد . اگر ننگ اسلام نبود صریحاً عرض میکردیم .
ولی شش هزار ی دین باسم پسر قوام و خوانین خون
آشام یک مرتبه در شهری بریزد چه خواهند کرد ،
الآن مدت دوازده روز است که شب و روز کار آنها
خرابی است . آنچه باقی ماده بود که از تبر کشته نشده
بود بر آبوه رفته و از شدت گرسنگی هلاک شدند ،
آنچه میخواهیم قوری آذوقه آنها برسام یا خبر درستی
از آنها پیدا کنیم یا آنها را از بلد بیرون بیاوریم ،
قوه نداریم ، تمام راه را بسته اند

ملاحظه فرمائید بعد ز عفو عمومی این است جزای
ط مات مشروطه خواهان ، روی مردم شیواز سید ،
و چشم بر روشن ، حقیقت فصوروی نگردیده کوفه و
کره لای این قسم ستم را روا داشتند ، حال حجة الاسلام
آقا حاجی سید عبد الحسین هم نا معلوم یا غیبت
المستغیبن افتنا (عموم لاریهای بندر عباس)

در موقع هنگام انقلاب چندان نباید اسباب ملال و کلال بشود

و نیز معلوم است که سالهای دراز است حکومت استبدادی بر سر ما ستمديدگان ايراني فرما فرماي ميکنند و ما را از هرگونه اصول صحيحه و دامن تريب و تشكيل ادارات و مراتب و قواعد تفهيمات علم و با اداره کردن امورات بيگانه و محروم داشته است اين است که اکنون در ترتيب کارهای نومي گامی بسختی دچار ميشويم

ايراني تا حال هيچوقت در مملکت خود قاعده و قانون ولو اينکه بطريق ظلم باشد ديده تا اينکه بداند اصول چيست ؟ تشكيل اداره کدام ؟ چه آسکه اسرور دولت ايران قانون شده است حمايه ما دولت روس اگر چه مستبد بود ولي ما اينکه هيات اصحاب و ظلم را روا ميداشت ما يك اصول اداره برشته و يك ترتيب همومي داشت که هموم بدون استقنا مجبور اطاعت آن اصول و قوانين بود و همين مجبوريته اهالي در اطاعت يك طاعت تحمل در اهالي آن دو مملکت خلق کرده بود چنانچه روس و عثمان هر قسم ظلم و اجحاف را نام قانون و قاعده احرا مينمودند و همه کس تحمل مينمود و در ايران تا باين اندازه هم ترتيب و قاعده در کار نه بلکه هيچ چيز بنام نظم و ترتيب و اداره ناميده ميشود و ميتوان اجالا گمت که در ايران حکومت درميان نبود هاما يکنفر نام شامي جبي از دزدان مخصوص بدور خودش جمع کرده و از فرط حماقت که در ما مردم بوده و هست اين عيقت ظلمه خودشان را سابه خدا و موهبت الهي فرض کرده و از قتل و قارت مخلوق خدا هيچ مضايقه نکرده و در ربح حق خون بوع بشر قسامع نيورزيبند

اين بود که ملت مظلوم ايران بری اينکه خود را از جنگال اين قولان وحشي خلاص نمايند و ب نعمت ازادى نائل آيند الحزين جاره و بهترين وسيله را در اين دانسته که مملکت خودشان را در تحت يك اصول و يك قانون آورده و بطور مساوات اداره نمايند لهد از برکت اين آزادی طبيعي عقیده مشروطيت در دل ما ايرانيان جاي گير شده و رواج يافت

اشهار

MOTOR CARS RENAULT FRERES
Bilancourt, pres Paris (France) فرانس

حامل کفنده اعظم بزرگ شرط بين پاریس و وایه

کفنده نخلت از (اوموبیل کلب) فرانسه

فهرست بجای فرستاده ميشود



فرقه اجنابيون ماميون مجاهد ايرانيان

ای قریبان های راه آزادی : وای هوا خواهران ملت ستم دیده ايران : چشم و دل باز کنيد ، وگوش هوش فرا داريد ، تا احتیاجات امروزی ملت را بخون ديده و ناله داد خوامانه وطن را بطور تحقیق شنيد و اصفا نمايد

وای برادرانیک از جنهای خود گذشته و از راه های دور برای تحصیل آزادی وطن و خدمت ايران و برادران خود سرها در کف گرفته و خود را از برای تحمل هر قسم شدايد در راه مقصود آماده و حاضر نموده ايد

بايد بداييد آن مظلوميت ايراني که شما را بدین صوب خوانده و از برای تحمل اين زحمت و شدايد بزرگ حاضر کرده است از شما چه ميخواهد و چه خدمت در دفع و رفع آن مظلوميت از اقدامات مردانه شما خواهش مينمايد و آرزو ميکنند

لهدا از برای تشریح و توضیح اين مسئله خود را حاضر نمودم که بتوسط اين اتباه نامه با برادران محبي از جان گذشته خود قدری صحبت نمايم معلوم است که در آغاز اقدام هر امر مشکلی خصوصاً اگر اقدام بکارهای دولتی باشد گرفتار عذورات زياد شده و بعضی اشکالات رخ مينمايد ولي

مشروطه طلبان ایران را در راه مشروطه طلبی و طریق وصول مقصود و آرزوی طبیعی خود که (وضع قانون و اصول ادارات مملکتی است) هیچ چیز مانع و مانع نخواهد شد جز آن که در عوض اینکه قوای حسیه خود را باطاعت اصول قانون آموخته دارند بیشتر از آنها راه افراط میروند و دوجار محذورات و اشکالات بزرگ و سهو و خطاهای عظیم میشوند، این جماعت مظلوم که تاکنون دو زربار استبداد حکام ستمگر بردا فرد لحظت شده و ننگ خورده و قارت شده و خاهاشان بباد رفته و از هر فراموشی و شاکرد محکمه مقهور گردیده و قوانین دمانی و کینی هر حاکم را همه چیز کردن داده و از غایبی هوای ظلم رفع احتیاجات خود را از اشخاص باخود منتظر میشوند و چاره خلاصی خود را بیگانگان میجویند و آنها امید کالی میکنند و میگویند که ما بجز شاه کسی را نداریم و از این احوالات تأسف آمیز دست می کشند

از این نادانی که زاده استبداد است ما رشتها نیز محذورات جنسی گرفتار شدیم و همین محذورات باندازه مانع پیشرفت و انتظام کارهای ما گردیده و در بعضی موارد سبب سستی کارها واقع شد

شکر بهزاران لشکر برخلاف مقصود و بدخواهان ملت و دشمنان مشروطیت در شاهراه رستگاری رفته و میروند

ای برادران این کشتار و خونریزیها وقارها میدانید که برای چیست؟ برای قانون قانون... قانون ما هم برای قانون است اگر ما مجامع صاحب يك مملکت صحیح هستیم باید همه درمان را در يك هیئت شوم که شای اساس آن هیئت بر مشروطیت است و آنکسی در بذیرتقی و امر قانون آن هیئت حاضر و آماده باشیم ولو آنکه آن قانون در نظر ما بسیار مختصر باشد، چرا؟ زیرا که قانون برستیم - ما در راه قانون و تربیت صحیح کشته بشویم، دلخواه ما قانون است همان قانون که باطاعتش کردن نهاده ایم، ما مجاهدین بر جان دشمنان قانون آتشیم، اینست که با کمال شوق و شادی فرمان بردار قانون آید بشویم برای اینکه شان و شرف قانون را بر همه مردم غنیان دشمنان قانون را

باید بکشیم و با کمال میل درون اطاعت از قانون نایم آنانکه از تربیبات موحوده ماواض میباشند جز آنکه نخررا يك الخطاری نایند حق دیگری ندارند زیرا حرکات دیگر محل انتظام حرکات انقلاب و مرتکب در جزء خائنین مشروطیت محسوب و اطلاق دو انتظامات - خیالات بر مشروطه است و خان مشروطیت هرکس باشد موافق امر مرکزی مجزا مسای سخت گرفتار خواهد شد و آنانکه قدا طرفدار پیشرفت انقلاب گیلان هستند باید بزربیات حاضره تابع و قانع باشند و در تکمیل و زرق این مملکت کوشش نایند این تکلیف همه و وظیفه بزرگ ما يك قانون صحیح و نظامنامه مرتی مجری میشود مراتبی که ذکرند صاحب اختیار و راه نهای شما است که بدین شکل و ترتیب و با رعایت مراتب مذکوره بخوبی نیل مقصود حاصل خواهد شد و الا ما دسته مازی و یارن مازی در ظلم هیچ کاری از پیش نمیروند و تا حال در هیچ تاریخ هم خرج و سرچ پیش رفته و نخواهد رفت

ای برادران من هنگام انقلاب و موقع فرصت و وقت گرفتن حریت و آزادیست حالا وقت آنست که کلبتا باید شخصیت را کنار گذاشت و اغراض خسانی را از خود دور نمود زیرا در مقابل حقوق عمومی فرض شخصی را مقام و مرتب نیست اکنون ما مجاهدین بجز هبت وطن و تحصیل آزادی و کوشش در راه مقصود مقدس خودمان هیچ کس را نباید بشناسیم حقیقت مقصود و آنچه بر حسب حکم وجدان فرما فرمای ماست همانا خدمت مشروطیت و حمایت ملت و حفظ حقوق ملت و انسانیت و وضع قانون در مملکت است خدمت بنوع و وطن دریای و کرانی است که اغراض شخصی و فسایت را بالطمه امواج انقلاب و عدالت کنار می اندازد یا در گرداب سیاست فرو برده بافضل الساعین حرم میفرستد

ای هم وطنان گرام بیاید گناه و منهد شوم و الوان غرق را با آب مساوات شسته مانند آب صاف و یک رنگ باشیم و خودمان را مانند قطرات باران از هوای بلند پروازی نزول داده تا دریای توحید ملحق کردیم یعنی چه - یعنی اتحاد - اتحاد - اتحاد نایم - اتحاد چه کله مدعی است که باعث نجات ایران بلکه

رهاخته تمام فرود در بشر و رسیده به نور و فلاح
 مییابد و وصول تمام نعمت‌های الهی بسته بدین گانه توحید
 و تحصیل رشته اتحاد و محکم کردن آن است
 ای راداران وطن یابید محبت‌الین اتحاد بچسبید
 در هر کار و کردار و گفتار بگانه ما بید بدانید که
 تا امروز این همه خاک‌ن شرفی و فلاکت که بر سر ما
 ریخته شده است همه از عدم اتحاد است همان عدم اتحاد
 است که طرا بدین همه خوارها و رسوائیها و داشته
 است. چنانچه دیده‌اید و بلکه می بینید که چگونه ما را
 مانند بندگان امر نکرش و سجده فرمودند و برای
 گفتن يك حرف حق از حلق مان می آویختند و بدر
 میکشیدند و بزندان میبردند و هرگز بدانسته و فکر
 نکردند که ما روری بیدار شده و محقوق خود بی
 خواهیم بود. و ما وجود ای که ما زیاد از بیست کرور
 خوس میباشم طرا تنها فرض میکردند چون میدیدند
 که يك دیگر اعتماد داریم و از هم دوری کرده
 سوا سوا ردی و زیست میکنیم. در امان و ناموس
 همسایه مان دست دراری و خیانت کرده و دختران
 و دوشیزگان رعیت را در شب رقاب با دیده گریان
 و با زور و حیاق منزل حکام میکشیدند با کمال بیخبری
 میکنیم عن چه، عن چه، و صبر نکردیم. ولی مرور آن
 روزگار نباشد و ایام تیره و ساء گذشت چنانچه دیدید
 و تمام عالم تا آتشا کردند که با حزقی اتحاد و مختصر اقدام
 جدی دفع و رفع شده. اما يك تکلیف بزرگ در عهد
 داریم و آن تکلیف ایست که يك قوه اتحاد دائمی باید
 داشته باشیم تا این بلای مردم و دشمن اسایست (یعنی
 استبداد) دو و سه باره بر سر کرد تا نهره حقیقت
 اتحاد را به بینیم و خوشوقت شویم برای حفظ و اداء
 همین اتحاد مضوی و ثابت و دائم هر دو يك قوه اتحاد
 دائمی کینه ستار که شعبه مرقة مجاهدین اجنهابیون نامیون
 میباشند از اول کار تا کنون بملوگیری و دفع، دفع
 محذورات مذکور، پرداخته و هر نقسه که ملحوظ تاد
 در ساء حمت و اقدامات مادی و مضوی راداران مجاهدین
 فی سبیل الله که داریم به تکمیلش موفق میشویم در این
 باب همقطاران مجاهدین خودمان میجوایم بعضی
 و صبیها و صبیحتها گویم و همدمی و کمک ایشان نیز
 امیدواری تام داریم

ای مجاهدین ملی پس از این ترتیبات کامله و
 تشکیلات منظمه برایش و اظهارات هر کس سرا و
 در کمال دقت رسیدگی خواهد شد و برای تأمین و
 آسایش و گذران و زندگان اهالی مملکت هر گروه
 اقدامات معده و بکار برده ایم که بعضی وقایع
 ناگواری که سابقاً سرزده بود از این مرکز واقع نخواهد شد
 آنکه امشان در دفتر کیسیون جنگ ثبت و نوشته
 شده باشد مجاهد شناخته نشده و از مالیه مات که
 به مال مال مسلمین است هیچ وجهی ایشان داده
 نخواهد شد زیرا مسکن مجاهدین حای مساکین و
 دارالجزیه و یا غیره خانه بست بلکه سرار حای ملی
 است و ننگی کسی که سرار ملی بست دادن مان ملت
 ملک ملت را انکس خلاف قانون و مخالف مسلك است
 امروز ملت ما در حلق است که خودش محتاج نگاه
 است در این صورت محتج الله مات را باید بحامای
 غیر لایق خرج و صرف نمود که خلاف طریقت و
 حقیقت است

مجاهدین دفتری را با کمال مساوات نظارت شده
 باشه و مکان و معاششان مواظبت خواهد شد در
 صورت امکان و توسعه رقابیت و در هنگام نگی
 و سعی رحمت و مشمت هم ملاحظه موااسات
 شریک و سهم خواهد شد

که يك رادار مجاهدین ترتیبات مشروحه رضی
 و خواهد بود باشد عنز استفسار دادن و رفع هیچ
 تکلیفی از وی دول نخواهد شد

کید ستر هم این ملاحظیات و محذورات را
 معطارد نظر داشته و سلجیده و هر ر قطعی داده است و
 مدد از این امراض شخصی. دسته اربها اکداً عدقی
 شد است هر کس بحال خود سری افتد ابد مورد
 تنیبه و محذورات خواهد شد

باید تا بردار مجاهدین یکدل و یکجهت. يك
 رنگ شده و خود و سعی خودمان را وقف مسامع
 عمومی ما باید و ملل بیگانه و از سرگذشهای
 تاریخی درس گرفته و عبرت بگیریم در موهبه خان
 و مان و خون خودمان را از راسبه تحصیل منافع
 هومی فدا میکنیم باید افکار و خیالات خودمان

را از قربانان منافع عموم نام بیاید - بیاید ای
 همراه ای فدایان راه اسابت بیاید اتفاق کدم
 همچنان که بدا و حسا اتفاق داریم لکرا و قبا هم
 متفق شویم تا به نیروی یگانگی درفش آزادی را ر
 اقراریم و وطن يك خودمان را از کشمکش کنونی
 خلاص کنیم و زندگی نام و ناموس خود دست رسی
 پیدا کنیم .

ای غیرت مندان گوش فراده و الله ستمديدگان
 وطن را نشنود آیا میدید که چه میخواهند و چه
 میبرتابند؟ آن سدهاء مظلوم با چشم پر خون میگویند
 ای یادگاران این آب و خاک - اتحاد - اتحاد - اتحاد
 کنید . نفس برستی هوامای خود ناز و فدای منعت
 عموم نباید تا سزم قوم رویم . رات آزادی را ربا
 کنیم و محوست استمداد را ارضعنه رورگار براندازیم .
 ای جان سپاران ایران نژاد برعهده ما است که رایت
 مشروطه را برپا کرده و آن فرومایگان و وجدان
 و آن درباران و شرف و بی ناموس که یکی خود را
 شاه میباشد دیگری خود را امیر بادر میباشد و سار
 دزدان و شرف (فضل الله) و میرزا حسن تبریزی
 را که بوردیدگان وطن و چشم و چراغ مات آفتاب ملک
 آزادی اختر آسمان ظلم اسابت (حاکمیر خان)
 و (ملک الملکین) و (عباس آقا) و (حاسی میرزا
 اراهم آقا) (و شریف راده) و حسین خان مشهور
 باغبانف (و سعید سلماهی) و چندین مشاهیر و
 مظلومین مقتولین ایران را هدف افراض حیوانی و
 وحشی گری خود ساخت انتقام نکشیم . آه انتقام از ظلم
 و هابیت مظلوم چه بیه لقت روحانی دارد . ای صاحبان
 غیرت . ای سربازان ملی . ای فدایان راه آزادی .
 بگویند رده باد اتحاد . رده باد مجاهدین فیور . زنده
 باد فرقه احباء یورطامبون . بایده باد مشروطیت ایران .
 برقرار باد لوای آزادی -

شعبه فرقه مقدسه احباء یون - تامبون مجاهد
 ایرانیان (ستار) گیلان

شهر

حساب دریایی صبح روز هفدهم ربیع الثانی
 وارد نوشهر گردید جمع اطام و نجار اورا استیبال

مورد عصر هاروز بافاق حساب آقا سید اسدالله
 رفان که شخصی آگاه و مشروطه خواه و از احده
 علماء است و گویا از جانب هیئت عالیته نجف اشرف
 بجهت مراقبت افعال اعضاء انجمن و نظارت آنها بیوشهر
 آمده اند وارد انجمن شد کمال همراهی و مساعدت شد
 در جبهه اوامر حقه انجمن و رفع آشوب و دفع
 اضطراب مردم اظهار نمود و ارجانب انجمن مسئولیت
 حفظ شهر و نواح در عهد خود گرفت روز دیگر
 ایور انگلس را ملاقات نمود مسئولیت شهر و محافظت
 خارجه و داخله را که در عهد خود گرفته بود اظهار
 و عدوت ساجر را ر او در خواست کرد . گویا
 ایور حرکت دادند عساکر را مقدمه بر گذردی
 استمداد و فنکچیان حساب آقا سید مرتضی امری بود .
 جناب دریا یکی بملاقات آقا رفت بعد از مذاکرات
 رداد اطمینان خواسته بود جناب حکمران اورا اطمینان
 داد جناب آقا قبول نمود فنکچیان را علی الظاهر
 مرخص کرد اعضاء انجمن حداً جلوگیری اثرار
 شکستان که در صدد حمله بر شهر هستند از حکمران
 خراسند معزی البه در صدد جمع آوری استمداد است
 و محتمل است که بزودی عساکر انگلس شهر را
 تخته بایند . شهر و نواح فعلا آسوده و منظم است
 تلگرافی ار لنگه که از طریق هاسی به نوشهر مخاره
 شده بود متعذر این است که نصرالله با اردوی
 ربادی غفلتاً بر شهر لار حمله نموده شهر را قتل عام
 نموده اطفال را سر بریده رانرا اسیر بجان احدی اناه
 نموده . حجة الاسلام آقای حاجی سید عبدالحسین مفقود
 الار . بعضی میگویند اورا کشته . یعنی قائل بحبس او
 هستند . از محس عباسی همین مضامین تلگرافی بجهت
 انجمن نوشهر رسیده و سریعاً علاجی بجهت ن نوابان
 و اهالی بیطرف لار خواسته اند . از یکجا تلگرافات
 مهر همومی و ابجاج مقاصد ملت و المقار پارلمان
 میرسد از طرفی پسران قوام بلاد اسلام را قتل و
 قارت اموال مسلمانان را جیاول مینمایند . تقن است اولیاء
 دوات و کابینه جدید رفع این قائله را بنمایند ولی بعد
 از خرابی شداد

سواد تلکراف حبه الاسلام
 آقا ملا محمد کاظم خراسانی مدظله

از نخب اشرف ۲۰ ع ۲

بوشهر انجمن ولایتی هموم تلکراف بمشراه
 رسید البوم حفظ امنیت و ضبط واردات مملکت و
 قورخانه و سایر مصالح همومیه تماماً سپرده انجمن ولایتی
 است که به انتظام صحیح اداره کنند، به هموم عیال و تجارت
 و امراء و خلوانین در جمیع امورات مملکت و انتظامات
 موافقت با اداره انجمن با کمال اتحاد، و مخلف حائز
 جست، حساب احل آقای دریابیکی بعد از ورود فقط
 رئیس قوه حراثیه اند تمام واردات باید انجمن مرتب
 و مضبوط باشد
 محمد کاظم الخراسانی

مکتوب بمیشی

(مدر محترم رورنامه شریفه مظفری)

صورت تشکر نامه اعضاء محترم انجمن سعادت
 ایرانیان اسلامبول از معاونین هر جا مجاهدین آذربایجان
 لاسبا معاونین حده را در شماره ۴۴ نامه مقدس زیارت
 نمودم اگر چه کسی در این موارد ملت کسی ندارد
 و نباید در اینگونه خدمات مقصد اظهار تشکر یا دست
 سریز او از دیگری باشد چه هر صاحب حس و هر
 صاحب وجدان فرض است که بقدر مقدور و میزان
 میسور خود یکی بجهار، دیگری بجال، سببی بقل،
 چهارمی بداً لساناً قلماً قدمماً در راه دین و دولت و ملک
 و ملت خود همه نوع خدمت نماید و از هیچگونه
 فداکاری دریغ ننماید، مگر چون تفصیل مزبور تا تمام
 است و منجمه از اشخاصیکه در این موقع اراد همدردی
 و اظهار ثنوت و سردانگی کردند مخصوصاً یکنفر شرف
 محمود بن احمد للنصور الطار مکلوی است از دوستان
 بنده که غیر از اینکه این درجه همراهی را امکان نداشت
 از طرف مأمورین ایرانی هم ضرر برده و صدمه
 خورده باز بمجرد اظهار شده پنج لیره اعانه داد که
 مخصوصاً اظهار تشکر از ایشان نمود شده فرض است
 لهذا منتم تفصیل و فهرست اسامی کسانی که از مکّه
 مکرّمه بذل همت نمودند و اعانه دادند عرض میکنم که
 در نامه مقدس مندرج دارد شاید رای دیگران خاصه
 کسانی که معاذیر جاهلان، تعذر آید و اعانت در این راه

را حائز میدانند اسباب عبرت باشد، و مسبباً متبدل
 بشوند که امروز گر برای قومی در اقصی بلاد شرق
 مصیبتی یا سختی و عسرن واقع شود اقوام دیگر از
 اقصی بلاد غریب دفتر اعانه باز میکنند و از آنها
 دستگیری مینمایند تا چه رسد قومی که از مقام بوعیت
 گذشته در دیانت و خاک وطن و آب و هوای مملکتی
 بهم شریک و سهم هستند، و فی الواقع چه قدر این
 مطلب حاد و زاست که هنوز بسیاری متفقدین از اجناه
 وطن ما خود را معاذیر ناموجه معطل و ملک مانع و
 طایق اقدامات دیگران داشته اند در مقام بوعیت
 نصبر کرده از حقوق هموطنی و هم کیشی هم قافلند با
 فی الحقیقه محامل مینمایند خداوند اصافی همه عطا فرماید

صورت اسامی معاونین در مکّه

(مکرّمه بمجاهدین آذربایجان)

- | | |
|--|------------|
| اسامی | لیرة عتایی |
| جناب حاجی عبدالقادر آقندی زینل اولالقاسم | |
| لنجاوی | ۷ |
| جناب شریف محمود بن احمد للنصور عطا مکلوی | ۵ |
| حاج محمد شمس الدین کاتب شهبندری ایران | ۴ |
| حاج محمد بن یورالدین ناصر قاری | ۱ |
| جمع کل | ۱۷ |

در سابق ۷۹ لیره و حوه معاونین حده را بهمان
 قرار که در نامه مقدس مندرج است فرستادم، این ۵۷
 لیره و سولی از مکّه هم تا خودم در حده بودم ۵۷
 لیره دو قلم اول و دوم رسیده بود که تسلیم حاج میرزا
 محمد علی ولد جناب حاجی ملاحسین ناصر لاری نمودم،
 حاج محمد شمس هم که در معنی بوکر خودشان است
 ۴ لیره را بابت مواجیش خود حاج میرزا محمد علی
 حواله کرده بود که مقرر شد بهاب و سیه بتوسط
 انجمن سعادت ارسال اسلامبول دارد که البته داشته اند،
 و در این موقع مخصوصاً بنده فدایان ار معاونین میفرماید
 هموماً و جناب شریف محمود مکلوی مخصوصاً اظهار
 تشکر منابیم **حک** همین درج مطالب در نامه مقدس
 جبل اللین در معنی اظهار شکر گذاری از طرف ملت
 ایران است، و امید میدارم که بعضی متمولین ایرانی
 از اروپا پسر و پسر و هر طنان مقیمین خارجه در

اطهار صورت و اثبات حدودی خودشان بمجاهدین طریق اسزوداد حقوق ملیه قدر یکتفر هرپ مکاری که شغلی حز عطاری پست ابراز فتوت عوده حال که اطانت مجاهدین را بمنذر جاهلان خلاف دیانت مشروعه بازالف سالوسی میدانند از ارامی و ایام پینوای آذربایجان دستگیری بایند که

عبادت بجز خدمت خلق نیست
و تسبیح و سجاده و دلق نیست
و نه نیکمردان آزاده گیر
چه ابتاده دست افتاده گیر

حادم فدائی ملت اطاح م علی آقا شیرازی مدیر مظفری

مکتوب خراسان
(۱۲ ح ۲)

الحبار خراسان یکی ورود دست محافظین روس است اهالی خلیل بر آشته و عقلای مملکت دارند آنها را آروم می نمایند ، بروست های صدمه از هر قطة خراسان بلا واسطه و بواسطه انجمن ایالتی مجامع نمایندگان دول نموده اند ، این حرکت روسیان بر استقلال مسلمانان هم صدمه بزرگ وارد آورده ، بد از ورود فتون روس تلگراف مضحکی از غیرالسلطه رسیده است که خلیل اسباب مضحکه اهالی گردید

دیگر صبط و تصرف دولت آباد است از طرف مجاهدین تربت ، این قطة دارایی استحقاقات بسیار مضلم و اسلحه زیاد ، پول نقد و صکک از طرف تشجیع الملک حکومت مقتول تربت محکم شده بود

رستم آباد ملک امیر بهادر حنک در حوالی خاف از طرف مجاهدین خاف تصرف شد (فرجان) ملک عبدالنور نیز اقدامات حاسی حسین خان پسر ملک التبحار طهرانی ضبط شده است

غیرالدوله هنوز در بشاپور متوقف و جرئت حرکت بسمت مشهد ندارد

امروز سته جبلالذین بومیه در رشت رسیده اشاعت یافت

در مشهد مشغول تربیبات داره بلدی و کمبسیون حنکی هستند

تلگراف مذکور

بروسای ولایات ، چون اراده ملوکانه بر این قرار

گرفته است که مشروطه محدود یعنی علت مرحمت شود این است که من مؤده آن را بشما میدهم که بجامعی لازم اطلاع بدهید تا انشاء الله قانون انتخابات با تمام برسد و آن وقت رسماً از طرف قرین الشرف ملوکانه دستخط خواهد شد . عجبائناً برای اطلاع شما نوشتم غیرالدوله و زر تلگراف و پست

پایان نامه انجمن ایالتی خراسان
(بنفراه هول معظمه)

(عمان) (آلمان) (انگلیس) (روس) (اطریش)
(فرانس) (هولاند) (امریکه) (ایتالی)

باکال توقیر و احترام اطهار میشود . گویا برخاطر محترم عالی پوشیده بست که مملکت ایران از تاریخ قبل از جلوس محمدعلی شاه و بعد از آن بضمون مشروطیت تمام دنیا معرفی شده ، و ملت ایران خود را تابع دولت مشروطه و قانون اساسی که نامضای مرحوم مظفرالدین شاه و پسر او رسیده است میداند .

بر حسب اصل (۲۳ - ۲۴ - ۲۵) از همین قانون اساسی کلیه امتیازات و معاملات و استقراض با داخله و خارجه بدون تصویب مجلس شورای ملی رسماً محض نیست ، و ملت فمه دار آن نخواهد بود ، علیهذا خاطر مبارک عالی را معطوف و متوجه میباشیم که سه نکته مهم که برخلاف مراتب فوق شازگی از طرف درباریان باغ شاه با بایندگان پلینکی دولتمن فحیمتین انگلیس ، روس معامله شده یا میشود .

(۱) انب السلطه چهار صد هزار تومان بیساک قرض شخصی داود ، درباریان مصمم شده اند که این مبلغ قبول کرده یکصد هزار تومان دیگر نیز استقراض جدید نموده برای یک کرور تومان سند دولتی بدهند

(۲) امتیاز صدر وقت قصر شیرین سابقاً بکمپانی انگلیس داده شده است که بعد از جریان وقت هر ساله صد شازده را بجزااة دولت بدهد ، حالا که عدت جاری شده درباریان میخواهند حقوق صد شازده را ۲۵ هزار لیره فروخته دولت را مسلوب المنعمه نمایند

(۳) بره کنی ، تجارت پوست بره و حنک امر مجلس مقدس دار الشورای کبرای ملی منع و توفیق شده بود ، درباریان توفیق بره کنی را مرتفع و امتیاز

نجات پوست بره را به نیکلای ارمنی از نجه روس داده اند و قرار گذاشته اند که در مدت پنج سال به صد هزار تومان و کسری از او دریافت نمایند، سی هزار تومان تزیل از این مبلغ ~~مکسر~~ محوره بقیه را نقد گرفتند.

انجمنهای ایالتی ایران خصوصاً انجمن ایالتی آذربایجان که فعلاً قائم مقام پارلمان هستند از این مطالب پروتست نموده خاطر محترم نمایندگان دول متحابه را بمراتب مزوره مستحضر مینمایند، البته آن ذوات محترمه نظر بمقتوق مشترک سیاسی و نجاتی و روابط مودت با دولت مشروطه ایران به این گونه حرکات خود سرانه درباریان حالبه راضی نخواهند بود، ختم کلام را تا جاریم از بیان نکته دیگر که آنهم خیلی اهمیت دارد (در این موقع بار بار که ملت در قام حقوق حقه خود میباشد و کمال مراقبه و مواظبت در حفظ حقوق و احترامات نجه خارجه دارد، دولت بجه روس برخلاف مرسوم و قانون سرقی قوه عسکریه که عبارت از یکصد تراق و ۷۰ فر سالهات و عده توجیحی با ۷۰ صندوق فشنگ و چند ازابه توپ بخراسان وارد نموده و این خلاف روابط انجساد و بی طرفی است، از جناب اجل عالی خواهانیم که بدولت متبوعه خود اطلاع داده و رفع آزار بخواهند) (انجمن ایالتی خراسان)

بروندت نامه انجمن ولایتی برجنند (دوم ربیع الثانی)

از بیرحند بتوسط انجمن محترم ایالتی خراسان ضهار سافیه و غوس مبصره کافه پارلمانها سیه دول منتمده خاصه دولت علیه عثمانی و دول فحیمه انگلیس و فرانس و آلمان و کانفرانس لاهه و کل مسلمین هند و قفقاز و غیرهم را جناب استعطف میباید، بر تمامی مراکز تمدن مکشوف است که در این مدت یک سال که ملت ابرایه در کشاکش استرداد حقوق ملیه بوده اصلاً و اهداً حقوق شریه اتباع دول اجنبی در هیچ یک از نقاط از ایران بوجه من الوسوه تجاوزی نشده، بلکه در این موقع که لوازم طبیعت مقتضی سرایت طبیعی افراد مجزبه بود مراقبت مخصوصه آحاد ملت در این خصوص نجات و قابلیت ایرانیان را بر تمامی طالبان مکشوف و سبرهن ساخت، با وصف این احوال

در این مباد دولت بجه روس اضاعه حقوق بشریه را پیش نهاد نموده در خبیه و آشکار مداخله خود را در امور داخله ایران بر اسم و رسم و هر بهانه و تقریب موقوف نداشته و نمیدارد، من جمله در این موقع نازک که اهالی مملکت خراسان بر حسب امر طلبه روحانیین در مقام مطالبه حقوق ملیه خود بر آمده و در این موضوع مهم فقط باقتتاح انجمن ایالتی اقتضار نموده پیرامون هیچگونه آشوب نگشته دولت روس به بهانه حفظ قواستقامت - قوق قوای عسکریه را زاید علی الزوم مقتاح مداخله قرار داده است، از حافظین حقوق بین الملل و هوا خاها طب عالم اسابت هموم ملت قایمات متمنی است که دولت معزی آنها را از این حرکت ناسمجیح منصرف و بمحفظ حقوق شریعت منصف نمایند، این نکته نیز پوشیده نیست که امروزه مداخله در امور ایران از برای هیچ دولتی مقرون بصرف نخواهد بود -

روساییه روحانی ملت قایمات (محمد هادی)
(محمد حسن) (محمد باقر) (امام جمعه) (محمد مهدی)
(و هموم ملت)

ترجمه از ویلی یوز لندن - ۵ می (خلاصه مراسم رسمی سفیر انگلیس) (بدربار ایران ستمبر ۱۹۰۰)

منشاء دولتن روس و انگلیس از این معاهده بهیچ وجه دخالت و تصرف بامور ایران نیست، بلکه این معاهده اطمینان میدهد بر آزادی و استقلال همیشه ایران را، فقط دولتن را خیال اینست که خود مداخلت بامور ایران نه نمایند بلکه مقصد اصلی شان از این معاهده آن است که متعده نگذارند دیگرهم مداخلت در امور ایران به باید

هنوز فوق انتخاب از مراسم است که سفیر انگلیس مقیم طهران بعد از انعقاد معاهده رسماً بدربار ایران پیش نموده است، قفا خوب است در جواب (مستزگری) و دیگران که پیش (سر ادوردگری) داده فقط این مراسم معنی و شرح شود تا معلوم گردد تمام اقداماتیکه بموجب این عهد باید بشود تا امروز شده است روس دخالت عاقی و آشکار نموده در معاملات

ایران ، حتی در شهر بای تخت آنها دخالت مسلحه و به هائے حفظ رعایای خود ، بجای اینکه ما بر طبق عهدنامه و این مراسم که سند است در دربار ایران نگذاریم روس را که اینگونه مداخلت کند ، خودمان او را دعوت مینمائیم و وادار میکنیم باین مسلك و تصرفات این مداخلت را (سرادوردگری) میگوید ضرورت بود برای حفظ جان و مال رعایای خارجه ، ولی چون بدقت ملاحظه شود چنانچه در پاریس معمول شد که بخواهند دول رعایای خود را از مقاماتیکه آثار بغاوت و بلوا بلند است که خوف جان و مال آنها بود ، و هرگاه فی شایند خودشان دمه دار می شدند ، ولی برای يك شهر در ایران چهار هزار قشون می فرستند (و ریادتر هم خواهند فرستاد) و تا کنون جهل مرتبه زیادتر ، بهائے حفاظت مال و جان رعایای خود را پیش کرده اند

پس حال ما امروز کلام (سرادوردگری) وزیر خارجه را قلم بند مینمائیم که رسماً بیان نموده است که قیام قشون روس در تبریز موقت است ، هرگاه قیام قشون روس در تبریز طول کشد مسلم خواهیم دانست که ایران عمداً بنصرف و قبضه روس داده شده است

ترجمه طبعی لندن

موضوعه ۱۲ ع ۲ - ۳ می

مصمم الساطنه اعلان نامه تلگرافی بجمع سفرای دول مقیم طهران بدین مضمون فرستاده است که چون اعلیحضرت شاه تا کنون مشروطیت سلطنت و افتتاح پارلمانرا منظور نه نموده اند ، بختیاریان مجبوراً در مطالبه حقوق مقصوبه علیه عازم طهران میکنند تا بقوه قاهره علیه حقوق مشروعه خودشان را حاصل نمایند و این تلگراف تا کجا دارای اثر باشد معلوم نیست ، چه از طرف دیگر قشون شاه نیز در هتتاد میلی اصفهان براسی حمله بختیاریان رسیده ، منتظریم که منافعه بختیاریان و قشون شاه را بدوا در قرب اصفهان بشنوم که بکجا خواهد انجامید

بر حسب آخرین خبری که با رسیده شاه صاحب دولتین انگلیس و روس را قبول نموده ، و این اقبال بواسطه آن بود که بوی حلی کردند این آخرین نصیحت و اتمام حجت آنهاست ، و انهاییکه درین چند روزه

پیش آمده چنان ظاهر میدارد که قبل از آنکه شاه به پروگرام فوقین عمل نماید مستبدین يك تفلای دیگر هم خواهند نمود

بموجب خبریکه در اخبارات عصرانه پترزبرگ اشاعت یافت دستة از قشون روس ، صد قزاق و بیست سواران دیگر و ۴ توپ مسلسل ، در مشهد رسیده ، نیز سه بتالین سوار و چهار استون قزاق و دو توپخانه از جلفا عبور کرده ، تا به جتول (اسنارسکی) در تبریز ملحق شوند

بجم می نویسد - بحجه جشن میلاد شاه تدارکات لازمی و وغیره می شود ، اقواء است حکه در باره مجلس ملی و مشروطیت که شاه قبول نموده مجدداً مواع پیش آمده است ، ولی امید است که فوری مرخف گردد ششم می مینویسد - در جشن میلاد شاه جمیع سفرای دول در عمارت باغ شاه حاضر و بشاه تهنیت گفتند ، امروز اعلان که برای مشروطیت و اصلاح مملکت مسوده شده بود با مضای شاه رسید ، از آن اعلان مستفاد میشود که اولدرجیب مبعاد افتتاح پلومان را قرار داده اند ، و براسیبه انتخاب وکلا قانون جدید ترتیب داده اشاعت خواهد شد

۵ می مینویسد - يك دستة قزاق ابرای براسیبه جلوگیری از قشون ملی رشت و محافظه پل (کرج) که می میلی خوبی طهران است شاه فرستاده ، مشهور است که ملتبان با عده زیادی از (خابون) که بازده میل جانب شرقی قزوین است برای حمله بطهران حرکت نموده ، ولی اخبارات صحیبه از حرکت آنها بجهت طهران با نرسیده ، میگویند تدارکات حمله بطهران خیلی متین و مخوف دیده می شود - شلیقه می شود که عده آنها فعلا ششصد نفر پیش نیست ،

قزاقان ابرای که بجهت پل کرج رفته اند بسرکردگی (کپتان سیولسکی) روس با دو توپ فکترین است ، سفارت روس آشی خود را فرستاده که با رئیس قشون ملی ملاقی شده ملتبان را از پیغمدمی بطهران باز دارد ، و نیز به فونسل خود در رشت تلگراف نموده که بسپه دار رئیس ملتبان کبضات کنونی را حلی نماید و ضمناً که اگر ملتبان از حرکت بجهت طهران باز نیسایند دولت روس مجبور به بعض تدارکات و

چه اندازه اثر تواند بخشید ؟ بموجب معاهده ما با روس که باید متفقاً در هر امر کار روانی باین چه تدارک در این موقع اهم شده است ؟

(سر ادوردگری) من رسماً اطلاع از مجلس خطیبی که شامی گوئید ندارم ، بهرحال دولت انگلیس بخوبی سلجیده است و وظائف خود را در ایران و نیز تدارکات لازمه دیده است جهان اندازه که ضرورت بود آنهم در حفاظت جان و مال رعایای خارجیه و این تدارکات تماماً موفق است و دائمی ، و من الحال هیچ گونه ضرورتی نمی بینم رای تدارکات جدیدی از طرف دولت انگلیس

(مستر مکدانل) آیا ضایعی داده شده است بر اینکه تصرفات موفق که هیچگونه دخالتی در پیشرفت ملتبان نشود ؟

(سر ادوردگری) وقتی که گفتگوی فرستادن قشون در تبریز پیش آمد دولت ما عهد و پیمان بر طبق شروط معاهده که بین ما و روس بسته شده نموده است که طرفداری از هیچ طرف نشود ، و ورود قشون فقط محض حفظ جان و مال رعایای خارجه باشد -

دولت روس هم در اعلامیکه بدول رسماً اطلاع حرکت قشون خود را به تبریز داده ضرورت فرستادن قشون و سبب آن را در اخبار رسمی منتشر نموده و وقتی دولت روس این اقدام را کرد که تبریز در حال نزوح بود

(مستر کاتالی) آیا دولت روس را اجازه داده خواهد شد (چنانچه خواهش شده است) که گرفتار باید رعایای خود را که بتأیید مشروطین شامل شده اند

(سر ادوردگری) من از جواب این سؤال معذور و نمی توانم بگویم که دولت روس درموضوع ما رعایای خود چگونه سلوک خواهد نمود

(مستر اوگریدی) آیا اطلاع دارید مخبرانی را که بین انجمن تبریز و شاه در طریقه مشروطیت و پارلمان که باید برضای ملت مفتوح شود ؟ آیا آگاهید از اینکه شاه خیال دارد مجلس ملقده کند بقول خود بر طبق قانون شریعی ؟ و نجس و جیب ملت طالب مشروطیت و پارلمان اولیه خود هستند ، در این صورت آیا لازم نیست که ما بشاه تکلیف نمایم که همان پارلمان

اولیه را به تمام ملت و بحسن تبریز خواستگاری بدهد ، و چون بر طبق عهدنامه دولتی روس و انگلیس متفقاً باید در هر امر اقدام نمایند درین موضوع روس را هم ما خود همراه نمایم ؟

(سر ادوردگری) در جواب سؤال اول شامی رسماً اطلاعی ندارم ، در مسئله دوم ، سراسیمه دولتی در طهران فقط طلب نموده اند از شاه برقراری مشروطیت و جمع آوری وکلای ملت را بموجب قانون انتخاب جدید

(مستر ریس) آیا شما از مقاصد اعمالی ایران هم اطلاع حاصل نموده اید که آنها پارلمان اولیه خود را طالب اند ، یا آن پارلمان مشروعی را که شاه بخمال خود میخواهد بدهد ؟

(سر ادوردگری) من هیچگونه ضرورتی را دائمی نمی بینم که مقاصد همی ملت ایران را در این خصوص حاصل نمایم پیش از آن که مشروطه خواهان ایران مقیم اروپا اظهار داشته اند ، هیچ میدانم که سایر طبقات ایران طالب همان مشروطیت اولی اند یا نه ، همینقدر میدانم بهیچوجه قبول نموده اند تغییر و تبدیلی را در اصول مشروطیت اولیه

(مستر مکدانل) آیا اعضای پارلمان تبریز می نمایند فرستاده شود در ایران بعضی از وکلا را براساس تدارک امور (خنده مجلسیان)

(سر ادوردگری) در سؤالات شخصی بحث نباید نمود که اگر برای یکی فایده بخشد برای دیگر مضر ثابت خواهد شد (بشنوبد - بشنوبد)

ترجمه دندی ادور تايزر ۳ می ۱۹۰۹

قشون روس در تبریز رسید ، از طرف دولت و ملت هیچ جلوگیری نشد ، فعلاً این مسئله موضوع بحث است که چه وقت قشون روس از تبریز خارج خواهد شد ، دولت روس وعده داده که پس از امنیت قشور خود را باز خواهد خواست ، شك نیست که وعده روس از روی قاعده صحیح ، ولی حرف در اینست که آیا روسها عواید خویش را خواهند نمود ؟ چه وضع سوق لشکر روس در آذربایجان غیر از آن است که بدوا تصور می شد ، ظاهراًست سختان دیپلماتی را اعتباری

نیست، میزان همان حرکات آهست، دولت انگلیس هم
 وقتی در مصر وارد شد فقط باسم امنیت و مراجعت
 بود، ولی امروز آنچه در تصور نمی آید مراجعت
 است، بلکه بیرون رفتن مصر برای او دشوارتر از بیرون
 رفتن هند است

شاه هم قدری کارهای ایران را در بیج و تاب
 انداخته که تا دربار بهانه دست روسها باقی نماند،
 از اینهم صرف نظر شود بقواعد دیپلماتی هر قدر
 روسیان بیشتر در خاک ایران مداخلت نمایند انقلابات
 داخله ایران زیادتر خواهد گردید و بهانه
 برای قیام روس بیشتر بدست خواهد آمد، از سخنان
 تاریخی یکی اینست که دولت روس هر کجا قدم گذاشته
 به خودی خود بیرون رفته مگر اینکه او را به شرق
 دست مانند اقصای شرق بیرون نموده اند

ششم می نویسد - وقتی محمدعلی شاه سربر سلطنت
 جای نمود پارلمنتی را که بدوش بیادگار گذارده بود
 یک ساله بود، الحقی زینت بسیار بدی در حق این
 نهال تازه شد و نتیجه اش برطلیسان پوشیده نیست و
 بعد از طرانی زیاد که بدولت و ملت ایران وارد آمد
 گویا مجدداً بحیال اصلاح افتاده و پارلمان را که چندین
 نوبت داده و گرفته قبول کرده است، ولی نمیتوان
 گفت ملت ایران بمجلس پارلمان که شاه میخواهد بدهد
 رضا خواهند داد یا نه ؟

آهنگه خونریزی ها و خسارات مالی که بر ملت
 ایران وارد شد همه در راه برقراری استبداد بود،
 دولت روس هم دخالت مسلحانه در ایران نموده و وعده
 داده است که پس از امنیت مراجعت خواهد نمود، ولی
 با آن وضع و انتظامی که وارد ایران شده کمان میخورد
 بخودی خود اراده بازگشت داشته باشد

ترجمه منبجتر گارجین

قتون روس برخلاف اظهارات نیم روسی داخل
 به شهر تبریز شد، و تاکنون این امر تدارک نشده
 که سوق عسکر روس خلیل زاید بر محافظه قونسلات
 است، ازین رو اقدامات او را برای تصرف
 آذربایجان که مملکت زرخیز و معدوری در تمام ایران
 است تصور می نمایند
 این امر رسماً اعلان شده که قنون روس محض

محافظه جان و مال رطایب خارجه که از محاصره تبریز
 در خطر بودند و نجات هزاران قوس بی طرف به
 تبریز میروند، ولی قبل از آنکه قنون روس حرکت
 کند محاصره تبریز مرتفع گردیده بود، و رفع محاصره که
 ملت و دولت ایران رضا داد واسطه آن بود که دولت
 روسی در معاملات داخله ایران مداخلت نماید، ولی
 روس اندک ملاحظه نکرده و اعتنا بر این امور نموده
 مداخلت کرده، اهم بر این هم از طرف ملت و دولت دین
 مداخلت روسی پروتست های سخت شده است، هرپلوی
 این مسئله را ملاحظه بنام می یابیم که واقعاً مداخلت
 بجا شده و ما باید بدایم روس را از این مداخلت
 خارج از موقع چه خیال و غرض است، اگر این
 خیال است که ملت و دولت ایران را مجبور بصلح باید
 از چه راه دولتین روس و انگلیس به دولت و ملت ایران
 اطمینان داده خوش نیتی خود را ظاهر کرده اند که در
 امورات داخله آنها اینگونه تصرفات می نمایند، چرا
 تصفیه راه خودشان و انگذاشته اند چنانچه (سر
 ادوردگری) مکرر بن مسئله اشاره نموده بود) درین
 انقلاب مداخلت در امور ایران حکم آن را دارد که
 دولت و ملت را از خیالات خویش بازدارد، و عرضشان
 چنین معلوم می شود که طرفیکه ریاضی کرده جلوگیری
 در این مقام خلیل باید ملت انگلیس و این حکمت
 عملی وزارت خارجه اعتراض نماید.

مشکل دیگری هم که باید حل شود اینست آیا
 دولتین روس و انگلیس در این حکمت عملی قبل از
 وقت بین خود تصفیه نموده اند یا نه ؟ و تصفیه شان
 چیست ؟ بهتر آن است که بزودی دولتین خیالات
 خویش را طاهر دارد و طمه را بوحشت و انتظار
 بگذارد، و اگر این دسته قنونی را که روس
 بدون ضرورت مسلحانه در تبریز فرستاده جواب
 انگلیس در بوشهر هم باشد درست مطلب باید
 ظاهر شود، چه روسها در شهرها و دیگر
 ایران هم که هیچ خوبی نبود تصرفات غیر جائز نموده
 اند، چنان کمان میخورد که روس و قاید او را
 سرادوردگری کاملاً در ایران منظور نموده و اختلاف
 و منافقه بین ملت و دولت ایران هم از این منظورات
 است، ما بیج در اظهارات خود تردید نداریم که

ترجمه دبی تلگراف

(مسیو یانوف بلغاری)

(مسیو یانوف) که يك از اهالی حریت خواه بلغار و جنیدی وقایع نگار اخبارات روس بود و محکم سمبر روس ز طهران اخراج شد وقایع نگار دبی تلگراف را ملاقات نموده خواهش نموده بود که در خبر خود بروقت اهالی ایران را آگاه سازد و رساله باک جلوگیری نمایند از دادن قرضه روس شاه که همین چند روزه گویا فیصل خواهد یافت

در این باره (مسیو یانوف) در میان حرر ایران علناً در آمده و برخلاف استبداد قدم نموده و تدارک می نمود و همه روزه بر قوای ملی ایران می افزود ، مدوا در رشت رفته بسیار عظیمی در فدائیان آذربایجان آنها را مستعد کار نمود ، سپس شهر استرآباد را بمیت ملتان متصرف شد ، همینکه شنید ترکان بر آست برش آورده مصمم پیش قدمی و جلوگیری شد و بجانب (رطانا) ما یاسد فر مسلح روان گردید ، ترکان از حرکت او واقف شده از برای وارد استرآباد و شهر را قارت و ویران نمودند ، پس از استماع این خبر (مسیو یانوف) ما عجله تمام آمده آنها را محاصره کرد ، ترکان هم ما دلیری بسیار ایستاده و جنگ را قائم داشتند و به ساعت کامل از طریق متوالیاً جنگ بود ، طاقت قورخا (مسیو یانوف) تمام و کار را اردوی وی دشوار گردیده ناچار بهزیمت شد ، در این جنگ چهار رخم منکر بر بدن وی رسیده و حوٹ زیاد از جشم جاری و کاملاً ضعیف بر او طاری گردیده بود ، چون ترکان احوال را دیده به اسیری آن حریت خواه گوشیدید ، همینکه (مسیو یانوف) اسارت را بقیین نمود طیبچه خود را کشیده خویشتن را هلاک ساخت ، ولی قبل از هلاکت خویش بملتیان همراه خود چنین نصیحت نمود (دوستان من آزادی و استقلال وطن خود را دوست دارید و ناچاران دارید از دست ندهید - خدا حافظ)

حبل المتین

(مسیو یانوف) از آن خطه غیرت خیز بود که در هر صحنه سی سال خویشتن را از منقلب زمین به

علناً در ایران پیش آمده که بهیچوجه خاطر خواه ملت انگلیس نتواند بود ، خصوصاً وقتی نظردقت کلام بر اقدامات منتهوا ، ما روس در ایران از آغاز انقلاب تا کنون تمام برخلاف ملتیمان بوده سر

میگوید صوادید دولتین انگلیس و روس شاه مشروطیت داده ، ولی عدم رغبت طلبی شاه مشروطیت امنیت آئینه اران را اطمینان نمیدهد

توسط سفارتخانه اطریش و محارستان مصمصام السلطنه و سردار احمد که رؤسای مشروطیتر بشاهد محمید دول اطلاع داده اند که مختاریها طرف طهر از حرکت بردند که حضور شاه عرض حال رطاب را نموده مطالعه حقوق ملی را باید و در تلگراف خود ظاهر دست اند که حرکت ایشان را رد و طرف طهر از مصد جنگ نیست ، بلکه غرض شان جلوگیری از اقدامات قشون استبداد است که بر ضد مشروطیت حرکت می باید ،

خبر خود مشروطیت را که از طهران به اسلامبول داده اند ایرانیان معجم سلامبول خیلی مسرور شده و بیارطانات عیان و هیئت و در راه اطلاع داده اند ایرانیان اسلامبول منتظر اند که وضع مشروطیت و برلمان را اطمینان نموده تبریک نامه طهران برسند ، پس از انتشار خبر خود مشروطیت امنیت کامل در تبریز روی نمود بازارها باز و تنگها گشاده تمام مردم مشغول بکار شده اند ،

رحیم خان به قونسل روس در تبریز اطلاع داده که محکم شاه مراجعته به قریبه دفع نماید و خواهش کرده آدمهای او را که قشون روس در سویمان گرفته صلحی نمایند ، قونسل جواب داده که رحیم خان بدو باید اموال رعایای روس را که سرقه نموده مسترد و سپس حاضر شده شکایات خویش را پیش نماید

سواران رحیم خان تا کلون هست از شرارت برداشته بین جلفا و تبریز و قصبات بین راه ، پست را جلوگیری می نمایند

خبر رسیده که رحیم خان بیک از قصبات اروانده دشمن میخواستند حمله نماید ، قونسل روس بین الموده تلگراف نموده که وی را از این حرکت باز دارد

پادشاهی رسانیده اند و این بگانه حریت خواه خبیر چه در طهران وجه در پترزبرگ و روسیه و سپس در رشت و استرآباد خدمت بسیار ذی قیمت بایرانیان نموده بدو در طهران باطل السحر درباریان و تدابیر روسیان درباری بود وقتی هم که او را روسیان از طهران بیرون کردند در روسیه و پترزبرگ خدمت عظیم بحریت خواهان و استقلال ایران نمود که شمه از خدمت او را در جبل اللین نگاشته ایم و همین قسم خدمتش درین اواخر در رشت و استرآباد خیلی ذی قیمت و تاریخی بوده است

این راد مرد بزرگ مفاها درجه محبت را ماران و آزادی ایرانیان داشت ، با اندازه با ایرانیان مخلوط بود که با يك قر ایران هیچ تفاوت نداشت

مسبو باوف ادبی فرزانه و در شهر سیاسیون بشمار بود گذشته بر این تبصر در علوم و فنون مردی شجاع و سرداری کامل بود و کمال جرئت و شجاعتی ظاهر نموده است و حریت پروری آن غیرت مند همین بس که در طریق حریت ایرانیان ما ای که نیابن مذهبی و ماتی و قومی در میان بود از جان شیرین خود گذشت ، نمیدانم این حرکات غیرت خیز (مسبو باوف) هیچ مایه عبرت و غیرت رحلی از در حسان ایران خواهد شد یا نه ؟ بقیه داریم که حقوق شناسان ایران خدمات تاریخی این راد مرد حریت خواه امرگزر فراهموش نخواهند نمود و براسیله قادی تاریخی ایرانیان یادگاری در خور خدمت مسبو باوف پس از حصول آزادی برقرار خواهد نمود ، ما در آینده نیز آنچه از خدمات این راد مرد محرب یران میدانم خواهیم نوشت و ایرانیان راست که حرکات پر راد مرد بخیر اجلی را در حریت و آزادی ملت خود سر مشق گیرند و خدمات او را قدر بدانند که دیگر حریت خواهان ظلم نیز در مواقع ضروریه ملت ما را کامل همراهی و تأیید بنمایند

تأخرافات

(عمره ج ۱ - ۱۱ می)

روزنامه (طلین) اشاعت داده که عبدالحید اقدی یک میلیون لیرا که در سنگ های خارجه داشته حواله بدولت عمان نموده است

(ج ۷ - ۱۲ می)

نماینده دولت چین و امروز پادشاه انگلستان

قبول نمودند مشارالیه سند مأموریت خود و مکتوب امپراطور چین را تقدیم نمود

(لارڈ چارلس برسفورد) در یکی از جماع (استرلیا) ضمن نطق خود اظهار داشت که لازم است حکومتیهای مستعمرات انگلیس انتظام در تعمیر کشتیهای موشک به نمایند تا دارای دستجات چهارات جنگی از خود باشند از این رو این امر کک زیاد بدولت بریتانیة اعظم میتواند داد دولت بریتانیة را امسال کمبرعشت جهاز (دریدات) لازم آمده ولی تعمیر این هشت جهاز (دریدات) هفت چهار سال گذشته اداره بحری را تلافی نخواهد نموده این وقت انتظام دستجات جهازات جنگی ما بسیار بد است ، نه انتظام صحیحی و نه استعداد کاملی برای جنگ داریم

کیتة مالی (رجسٹر) پارلمان آلمان مسوده قانون عوارض جدید وراثت را نکلی نامنظور نمود

تلاکرف (هیگ) ظاهر میدارد که تصفیة مناقبہ دوایتین فرانس و آلمان را که در ماه ستمبر گذشته در (کاسا بلکا) پتس آمده نموده است سهوسکرتزی قوسلحاه آلمان این است که فراریان را پناه داد و خالی کرنل فرانس این بوده که تهدید کرد و ملازمین قوسلحاه آلمان را رد

(ج ۳ - ۱ - ۲۴ می)

تصور می شود که تصفیة مناقشات (کاسابلانکا) بعد از اظهار تأسف طرفین اخطام خواهد بدرفت ، رورامه (زیتمک) می گوید که این واقعه غیر مترقبه صورت خوشی اعصال یافت

۳۳ نفر از اعضای اداره همد (برلن) وارد (لندن) شده مهمان اعصای مطبیه لندن میباشند مبرزمان با کمال اشتیاق محضت مهمان عزیز خود انتظام و بدرائی کامل نمودند

(ج ۴ - ۱ - ۲۴ می)

در (اوم وویانه) گفته می شود که جمیع دول بزرگ حاضر شده اند که جزیره (کریت) را به (پومان) مباحق دارد ، فقط دولت انگلیس تاکنون در قبول این امر متردد است ، چه (ژون ترکیا) رعینده خواهند شد ، هر صورت تصفیة این امر عاجلا خواهد شد زیرا که ۳۱ جولائی قشوزدول از (کریت) باید خارج شوند

اعلیحضرت پادشاه انگلستان در قصر (وکینگهام)

اعضای بدیه آلمان را بار حضور داده تبریک ورود فرمودند

• ملکه (الکزدرة و نسی) بوطن خود رخصت شد
 • مستر هیس هیلتند سفارت امریکا را در پکن قبول نه نموده است

(ج ۱ - ۲۵)

• وایسهد انگلستان مراسم خدمت خدمت گذاران هندوستانی اعلی حضرت ادورد عظم را پذیرفتند

• (دبوک و دجز آف کنات) برای ملاقات (ماکه و پادشاه اسپانیا) رخصت (میدرید) شد

• رئیس الوزرا سپه عنانی مسلك حكومت وا در مجلس ملی بیان وضناً اظهار تشکر از خدمات اردوی

رومیلیا من باب نگاهداری اعلیت در شهر واستقامت مشروطه با حسن الوجه نمود فرمود کسانیکه در قتل

علم (ادنا) شرکت داشتند مستوجب سزایند ، این را هم اظهار داشت که استقرض پسندیده بیست بلک اقدام

باید کرد در افزایش مداخله دولت ، اکثریت آرادین باب بطرف حكومت رای ظاهر نمود

• امروز در مجلس پارلمان انگلستان امضای پادشاه را بر مسوده قانون اصلاحات هندوستان پیش نمودند

• (سیو تکلیکوف) نائب وزیر خارجه روس سفارت اسلامبول مقرر آمد

• نقشه قلاع آبنای (بناما) به رئیس جمهوری امریکا (مسترفنت) تقدیم شد بلک زیم میلیون لیرا تخمین مصارف آن شده تدارک (۶۵) نوب بزرگ و (۵۰۰۰) لشکر

دیده خواهد شد

(ج ۱ - ۲۶)

• (سیو دولی) در افتتاح اولین مجلس ملی آستریا بیان نمود که برای حل قشون محافظ از رطایا مسوده قانون پیش خواهد شد

(ج ۱ - ۲۷)

• تلگرافی از بلورن رسیده که بموعین هیئت مزدوران آستریا در مقابل ۲۹ رای وشکست ۲ رای حاصل نمود

• در مجلس ملی انگلستان در مسئله بودجه اداره بحری بنوع جدی مباحثه شده اعضای پارلمان تقاضای قشون بحری را بلک بلک نمودند

• از تلگراف اسلامبول ظاهر می شود که عدالت نظامی که باغبارا سزای اعدام داد در آن بحرین رئیس

کل خواجہ سرایان عبدالحمید اقدی جوهر آقا نیز

شامل است (۱۰۰) از افسران و بسیاری از عیسویین را حکم برهانی داد ۵۳ نفر را امروز حکم قتل صادر شد خیال حکومت این است که عبدالحمید اقدی را از

(سلاویک) به (ارجی ییلاگو) در جزیره (رودس) فرستند چه بودن سلطان مزول در سلاویک حوققا است

• امروز عصر حین تعطیل پارلمان انگلیس سرآمدورد گری بیان نمود که نرس از مناقشات پاتیک اروپا فضول

است که ما در دولت جنگ واقع می شود و نه هیچ دولتی با ما از در جنگ بیرون خواهد آمد دول آریه

در حوالی افواج خود را از کزیت میخواهند حرکت بدهند ولی مسئله کزیت تا کنون حل نه شده ابداست

دول اروپا وزکی حل این مسئله را شروع نخواهد به پایند

• درباره (کانگو) سر ادورد گری اظهار داشت که تازه اسوبه (بلژیک) من باب مسائل خاص نشانی ده

است ، ولی در خصوص انتظامات همه سخن عرض است دولت بریطانیا سخنان مذنب نخواهد پذیرفت

مسئله (کانگو) نهایت اهم و هرگاه در آن هیچگونه فطلی واقع شود برای اروپا بلک مسئله بسیار حوققا خواهد گردید

(ج ۱ - ۲۸)

• اخبارات از تلگراف اسلامبول مینویسند که وزرای عبدالحمید و افسران اهل که تا کنون در (هرنیکیبو) نظر شد بودند به جزائر مختلفه فرستاده شدند

تلفکرات روتر راجع باران

(ج ۱ - ۲۹)

اخبار (رسکوسلویو) در پترسبرگ تلفگرافی را از تبریز اشاعت داده که دولت روس مدعی است که ستارخان

رئیس مشروطین تبریز باید جلوگیری شود تا دو بیست هزار منات حساره که مکبان راه شوسه بین جلفا و

تبریز وارد آورده دهد

« جبل اللئین »

بقیده ما این تلگراف ابداً مقرون بصواب نیست و این هم یکی از پلنیکهای روسیاست برای مرعوب

داشتن مشروطین و تلگرافیکه در روسیه اشاعت می شود غالباً کذب محض و مبین بر پلنیک است با این همه

شک نیست که روسها وجود ستارخان و امثال آن را در تبریز ملانی با مقاصد خود می بینند

جبل اللین

ما هرگز ازین هیئت کابینه متوقع نیستیم که در
 خیاب مجلس ملی استقراضی نمایند و هرگاه به چنین
 امری اقدام کنند بدترین بدنامیهای تاریخی را برای خود
 کسب کرده و اعتماد و اعتبار ملت یک دفعه از آنها
 مرتفع خواهد گردید. برای هیئت کابینه یک دولت
 بزرگ کدام بدنامی ازین بالاتر است که بحجه پنجاه هزار
 یا صد هزار لیرا از یک طرف زیرا بر آن شرایط منحوسه
 عقل استقلال روند و از طرف دیگر اعتبار و اعتماد
 خود را نزد ملت زائل کنند. و بزرگترین دست اندازها
 در قانون اساسی همین استقراض است. هنوز مرکب فرمان
 پادشاه خشک نشده چگونه اقدام بچنین استقراضی خواهند
 نموده هرگاه از تمام این مراتب هم صرف نظر نمود خواهیم
 گفت که بزرگترین عداوت به پادشاه چنین استقراض
 آنها در چنین موقع است. یعنی در حالیکه از چند طرف
 اردوهای ملی برای حمله بطهران مستعد و منتظر اند
 و با آنها بدکان که ملت در حق شاه دارد. و دیروز
 فرمان برقراری منروطیت را مطابق همان قانون اساسی
 بدون کم و کاست برای جلب قلوب ملت امضا نموده.
 هرگاه قبل از انعقاد مجلس مقدس استقراضی شود
 وانگهی از دولت روس که ملت دشمن حریتش میندارد
 محال است ملت دوباره اطمینان بشاه یابد. باید گفت این
 استقراض اگر بشود بزرگترین دشمنیها بشخص پادشاه
 شناخته خواهد شد و الا جناح سه سال بدون استقراض
 امور دولت گذشته درین چند هفته هم بگذرانند تا مجلس
 برقرار شود. فراموش نمی کنیم که در آغاز مجلس هم وزرا
 همچو ظاهر میکردند که اگر تا پس فردا وجه دولت
 برسد تمام ادارات ها میخواند. و حالا سه سال گذشته
 است - نایا بر فرض اجاری هم آیا دو بیست و بیست
 هزار تومان این هیئت کابینه که بمقدار هر یک کرورها
 مالک اند نمیتوانند قرض شخصی نمایند ؟
 آیا سزاوار است که برای این جزئی مبلغ دولت
 ایران را در تمام دنیا بدنام نمایند ؟ آیا سزاوار است که
 شرف و اعتبار خود را استقلال وطن عزیز خوبشرا
 باین مبلغ قلیل بفروشند؟ ما امید داریم که هرگز هیئت
 وزراء کنونی رضا بچنین استقراضی نخواهند داد و ما
 قبل از وقت میگوئیم اگر این استقراض صورت بندد
 باید فکری این کابینه را در همان مجلس اول پارلمان ایران
 خواهد یقین نمود
 درست باید دقت کرد دولت روس که خود نزد

(ج ۱ - ۲۶ می)

(تشریح مکان وود) معاون وزارت خارجه در
 جواب از سوالات پارلمان انگلیس چنین اظهار داشت
 دولت روس را بیان این است که در منتهای سرعت
 قشون خود را از تبریز حرکت خواهد داد یا کم خواهد
 نمود. ولی منتظر ورود حکومت روسی است دولت
 روس مصمم شده بیست هزار یا صد هزار لیرا بشاه
 فرض دهد برای تهیه لوازم مشروطیت. ازین وجه
 قشون دولتی را موجب داده رخصت خواهند نمود
 و نخواهند نمایندگان خارجه خود را خواهند داد و در
 دیگر مصارف بسیار ضروریه صرف خواهد شد
 معاون وزارت خارجه از روی اطمینان اظهار داشت
 دولت انگلیس را اطمینان کامل است که ازین امر
 منافع دولت انگلیس را تصانی وارد نخواهد آمد و
 بر پروگرام اصلاحات ایران حلی وارد نخواهد شد

جبل اللین

ملکیان ازین نکته نباید قائل باشند که تمام اقدامات
 روس و انگلیس امروزه در ایران توأم است هم
 چنانکه در مصارف لشکر کشی روس در تبریز دولت
 انگلیس سرأ شرکت دارد قطعاً درین قرضه هم که عیناً
 میخوانند ایران قبولاند معناً شریک است ولو ظاهر
 میگوید من شریک نیستیم. ولی اقوال دیپلماتی ابدأ
 میزان صحت و اطمینان نتواند بود اعمال آنها را باید
 لگزیست. ایرانیان باید خود را از استقراض این دو
 همسایه هماره محفوظ دارند که اگر شهد شان بخوراند
 یقیناً عجز بزه رست. تمام تعلقات انگلیس از روس از
 طرف آلمان است. میتوان گفت که امروز دولت
 انگلیس راضی است که ایران به خود روس کاملاً در
 آید. مشروط بر اینکه خود آلمان زیاد نشود. آن
 روسها انگلیسها از او طرف داشتند باقی نمانده اینکه
 روس انگلیس آلمان شده و تمام این گره رقصانیهای
 دولتی در ایران برای جلوگیری آلمان است. و علقرب
 گریه بسیار عظیم در ایران رقصانده خواهد شد. باین
 ملاحظاتی سیاسی است که ما میگوییم ازین و بعد
 ابتدای انقلابات ایران است

(ج ۱ - ۲۵ می)

وقایع نگار طمس از طهران خبر میدهد که ایران
 هنوز رضا باستقراض از روس نشده و بر شرایط او
 بواسطه اشغالی عذر دارند

دوست و دشمن دست تکدی برای استقراض دراز
 هوده بجه قصد و اراده بزور میبخواهد در حلق ایران
 وجه باسم استقراض ببرد، و ما هرگز تصور نمی‌نمایم
 ناصر الملک که وزیر مالیه است رضا باین استقراض بدهد،
 چه امروزه وزیر مالیه مسئول اوست، و ما مطلقاً
 که اگر بدون مشوره وی چنین استقراضی شود هرگز
 زیبار مسئولیت وزارت مالیه نخواهد رفت

(۱۰ ج ۱ - ۳۰ می)

خبر روز از طهران خبر میدهد که نا امنی
 آذربایجان کم کم دارد زیاد می‌شود، ترکان ساوجبلاق
 را تصرف نمودند، و ملت ارومیه با ملتهای سور و
 خروش در آمدن باغوش عثمانی را خواستگار اند

(۱۱ ج ۱ - ۳۱ می)

خبر روز از طهران خبر میدهد که احرار تبریز
 با کمال شدت شکایت می‌نمایند از اجحافات روس، ستار
 خان و سایر سرداران ملی بهد از اینکه قواصل انگلیس
 از بنای دادن آنها امتناع نمود در فونسلخانه ترکی از
 خوف گرفتاری پناهنده شده اند، روسها بملاحظه
 کشیدن راه آهن از جلفا تا تبریز نخته جمع می‌نمایند
 دو هزار و پانصد نفر قشون ترکی امروز همراه
 را قبضه نمودند

﴿ جبل اللین ﴾

روسها انقلاب عثمانی را غنیمت دانسته بگمان اینکه
 دولت مشارالها سالها دوجار انقلابات خود خواهد بود
 يك اردوی جسیم با آذربایجان سوق دادند، ولی در
 حقیقت تصویری بخطا کرده بودند، و ما پس از آن
 که مسئله اسلامبول فیصل یافت یقین داشتیم که در جواب
 روس عثمانی هم سوق عسکر با آذربایجان خواهد نمود،
 و تلگراف سه هفته قبل اسلامبول که عثمانی قشون بمالک
 آسیانی خود سوق میدهد نیز مشعر بر این امر بود
 يك و سه سال گذشته که قشون ترکی ساوجبلاق را
 متصرف شد روس و انگلیس بر این اسناد که چون
 ما متمم استقلال ایران هستیم میتوانیم این تجاوز
 عثمانی را رضا دهیم، اینک که علناً روسیان سوق عسکر
 به تبریز نمودند عثمانی هم در جواب آن سوق عسکر در
 ساوجبلاق و سرافه نمود، و بمقامات دیگر هم خواهد
 نمود، مسلم است تا قشون روسی از تبریز خارج نگردد
 قشون عثمانی هم از آذربایجان حرکت نخواهد کرد،
 و اگر جنسی دیگر قشون روسی در آذربایجان
 توقف باید رفته رفته تمام آذربایجان خود شان را در
 آغوش عثمانی خواهند کشید، ظاهراً شرعاً و عقلاً

اگر بنا شود ایرانیان از عهد تجاوزات حسابات
 بر نیامده و نتوانند استقلال خویش را حفظ کنند بمناسبت
 جامعه اسلامیت آغوش عثمانی را بروسی و دیگران ترجیح
 خواهند داد، هرگاه روسیان ازین تجاوزات ناجائز که در
 ایران می‌نمایند باز نیابند خیلی زود ایرانی و عثمانی متحد
 شده دمار از روزگار روس خواهند بدر آورد و
 بجای فتح ازین تجاوزات نقصان حاصل خواهد کرد
 پوشیده نیست که امروز روس را طاقت جنگیدن با
 عثمانی نیست و در صورت جنگ هم فتح برای روس تصور
 نمی‌شود می‌بینیم که روس در سرسودای آذربایجان قفقاز را
 به بارد، صوبه قفقاز غالب مسلمان و ترکی زبان و شجاع
 و حریت خواه و ملتها درجه فقرت را از دولت خود
 دارند و منتظر بهانه و سرگرمی روس در يك نقطه
 اند خصوصاً اگر با عثمانی دوجار شود، علاوه بر این
 تمام مملکت روس مانند در یامنا متلاطم و ما هر آن
 در انتظار انقلابات عظیمه آن بوده و مستم حق این
 است که جواب حرکات متجاوزانه روس همین بود که
 عثمانی داد و عنقریب انگلیسها از تأیید اینکه درین تجاوزات
 روس در آذربایجان داده نادم خواهند گردید،
 و ما علناً می‌بینیم که درین انقلابات دست آلمان داخل
 است، نظر بر اینکه ملت ایران طبعاً تنفر از روس دارند
 اگر ایرانیان را دولتین روس و انگلیس بحال خود نگذارند
 قطعاً خود آلمان را جبهه طبقات سرأ و علناً تأیید خواهند
 کرد، و بلا شبهه این نکته مضر بحال انگلیس نتیجه
 خواهد داد و ایرامها مجبور اند، میتوان گفت مسلم
 سرادوردگری در حایه متجاوزانه روس در ایران کم کم
 دارد محبت انگلیسان را از قلوب ایرانیان زائل می‌نماید

رقاب نکار طمس از طهران خبر میدهد
 علاءالدوله بحکومت آذربایجان نامزد گردیده، چنان
 تصور می‌شود که اهالی بر حکومت وی اعتراض نه
 نمایند ولی این امر محقق است که حصه از اهالی
 ورود او را تبریک نخواهند گفت و خوشنود از
 اخطاف او هستند

﴿ جبل اللین ﴾

هرگاه شخص عالم و دیپلماتی را فرط فرطان بپسندند
 و علاءالدوله بریاست قشون آذربایجان انتخاب میگردید
 بقیده ما صواب مقرون تر بود، اگر چه علاءالدوله
 در هر حکومت بروز ایفاقت داده ولی حکومت باسبب
 غیر از حکومت ایام مطروطبت و آذربایجان غیر از
 مراکز دیگر است

چهل و نهمین شماره

و کلا ذمه دار ابوجهات مشترکین اند
(بدل ابوة اخبار پیشگی گرفته میشود)

قیمت اشتراک

سالانه -- شش ماهه

Habibullah Khan Office
MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

نامه مقدسه

هند و برمه

۱۲ روپیه -- ۷ روپیه

ایران و افغانستان

۲۰ قران -- ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی -- ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک -- ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات -- ۶ منات

الملتانی

سنة ۱۳۱۱

(مراسلات خصوصی بدون امضای معروف)

(اداره درج نمیشود)

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۷ هجری

مصادف با

۷ جون ۱۹۰۹ میلادی

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید مافی بحث میشود
(مقالات عام المنعمه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

انقلاب آذربایجان با تکلیف

(کنونی ایران)

(۱۷ ج - ۱)

وقایع نگار طمس از طهران خبر میدهد که قشون
ترکی سرحدات ساوجبلاغ را که در حریطه ایران است قبضه
نموده و همان تاریخ غیر روتر از تبریز خبر میدهد که دولت
عثمانی قوی سلیمان و ارومیه را معتزب قبضه خواهد نمود
ازین بیانات جای شبهه باقی نمی ماند که از آغاز
تاکنون در انقلابات ایران دست خارجه بوده ، نهایت
درباریان خان را سنگ روی بچ خود ساخته ملت و دولت
را هم انداخته مبتلا ساخته ، یک دفعه با هم حفظ
رئایه خود دخالت مساعده ایران می نمایند و یک
مرتبه با هم وساطت ذات الین ساهی میگردند بلکه
نگرانی بر ادارات دولتی حاصل نموده ایران را تالی
مصر قرار دهند ، یکدفعه در عین شکستگی کینه قشون
خود را باز نموده در پیرایه استقرار جبری میخواهند
جمع مواد نافه ملکیه ایران را در قبضه خویش آرند
بدینق روس درباره ایران خصوصاً از آغاز
شروطیت پس از آن زمانیکه در اتصالی شرق دید
راحمی پوشیده نیست ، از وقتیکه صنایع الدوله نقشه
مزدگرک قد و چینی را در مجلس پیش نمود و کرده
نصیر راه آهن را ریخت ، باد زخم روسها خورده نقشه
بر روی زمین شرطیت و انهدام مجلس را بدستیار می

روسیان درباری تعقیب و این بازرها حکشان کشان
رسانند مجائیکه قشون خود را در آذربایجان وارد
ساختند ، درین موقیت روسها از چند جهت خود را
بختیار تصور کردند ، اول عثمانی مشغول در انقلاب
داخلی خود بود ، دوم مناقشات ملت و دولت ایران
مواضع داخلی را کلبه از جلو او برداشته بود ، سوم مؤیدی
میل دولت انگلیس درین لشکر کشی به آذربایجان برای
او حاصل آمد ، ولی دبری نه گذشت که مدیخته جمیع
مؤیدات روس دولت مستعمل شد ، انقلابات عثمانی که
تصور سالها در او میرفت بین چند روز رفع گردید ، و
مناقشات مافی و دولتی ایران هم پس از آن مداخلت
بجا دارد رفع میگردد ، مسلم است همینکه انگلیس با هم مواضع
خارجی را در پیش دیده از هوشیاری که دارد از ناید
او باز خواهند آمد
بر واضح است که عثمانی و آلمان هرگز با هم گروه
دخالت روس در آذربایجان رضا نتوانند داد ، و تا
وقتیکه قشون روس از آذربایجان خارج نشود با امنیت
ایران اطمینان نمیتوان حاصل نمود
هیچ دلیلی در بدنیق روس روشنتر ازین نمی شود
که بمجرد ورود قشونش در تبریز بنحیال کشیدن راه
آمن از جلایه تبریز اوقاد و در باطن و طاهر
انگلیسها مؤید اویند ، چه قرصه جدیدی که روس
برای راه آهن نوره انگلیس با کمال همه و مخلوبت